



کارآفرینی اجتماعی؛ بخشی از مشکل یا پاسخی به مشکل؟

پروژه پارچه‌بافی دستادست: یک زن، یک دستگاه، یک شغل

سه زن کارآفرین که با مُد اخلاقی بر زندگی بسیاری تاثیر گذاشتند

بنگاه‌های اقتصادی خودگردان کارگران: درمانی برای سرمایه‌داری

معرفی کتاب «زنان کارآفرین؛ کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران»



ناشر: کارآفرینی اجتماعی دستادست  
سردبیر:  
فائزه درخشانی

دبیران:  
زهره سروشفر، فروغ عزیزی، حمیدرضا  
واشقانی فراهانی

طرح روی جلد و پشت جلد:  
سمیرا حاتمی‌زاده

تصویرساز: Neha Ray

گرافیک و صفحه آرایی:  
فاطمه امیری

ویراستار:  
فائزه درخشانی، فروغ عزیزی

مشاوران، همکاران، مترجمان و  
نویسندگان این شماره:  
فائزه درخشانی، شمیم شرافت، پرستو  
موسوی، سپیده شهبازی، مائده افشردل،  
سیده زینب صالحی، فروغ عزیزی، آمنه  
هشیوار، گیتا صالحی، دیبا ناظمی، شایا  
امینی، حمیدرضا واشقانی فراهانی

[دستادست در ویرایش و کوتاه کردن  
مطالب آزاد است. حقوق چاپ و انتشار،  
نقل مطالب و استفاده از طرح‌ها برای  
دستادست محفوظ است.]

مطالب مندرج در فصلنامه  
پوشش‌دهنده افکار و نظرات موجودند و  
لزوما نظر دستادست محسوب نمی‌شوند.

دستادست را دنبال کنید:  
<http://dastadast.ir>

<http://instagram.com/dastadast>

<https://telegram.me/dastadast>

<https://twitter.com/dastadast>

تماس با دستادست:  
dastadast@gmail.com

سه شرکت سرمایه گذاری اجتماعی		۴۰	برگردان از مائده افشردل
ماکیاتا		۴۴	برگردان از شایا امینی
پروژه پارچه‌بافی دستادست: یک زن، یک دستگاه، یک شغل		۴۸	
معرفی کتاب: زنان کارآفرین		۵۰	فروغ عزیزی
بی‌آنکه عادت کند: بازخوانی رمان عادت می‌کنیم		۵۶	دیبا ناظمی
۶ یادداشت کوتاه برای زنان و مردان برابری‌خواه		۶۰	فائزه درخشانی
مورد نقد: تغییر بسته‌بندی		۶۶	سیده زینب صالحی
خدمات مشاوره دستادست		۶۷	

دستادست یک مجموعه کارآفرینی اجتماعی غیرانتفاعی است که هدف اصلی‌اش کمک به قدرتمند شدن تولیدکنندگان محصولات دستساز با اولویت گروه‌های به حاشیه رانده شده جامعه مثل زنان روستایی و سرپرست خانوار و... است. یکی از فعالیت‌های ما انتشار فصلنامه و یادگست رایگان با موضوعات اجتماعی است. امیدواریم با دریافت حمایت مالی از طرف شما بتوانیم امکان ادامه انتشار این مجموعه‌ها را همچنان حفظ کنیم، برای ارتقای کیفیت آنها از نظر فنی تلاش کنیم، و بتوانیم به شکل گسترده‌تری در جامعه پخش‌شان کنیم.

<https://hamibash.com/dastadast>

کارآفرینی اجتماعی: پاسخ  
مشکل یا بخشی از مشکل؟  
فائزه درخشانی



سرمقاله

۴

شرکت تعاونی موندراگون  
برگردان از آمنه هشیوار



پرونده

۸

سه زن کارآفرین

برگردان از سپیده شهبازی



۱۲

هدف ما خلق میلیون‌ها  
نان‌آور است

برگردان از پرستو موسوی



۱۶

اثربخشی اجتماعی

برگردان از حمیدرضا واشقانی فراهانی



۱۸

بنگاه‌های اقتصادی  
خودگردان کارگران

برگردان از شمیم شرافت



۲۴

شروعی متکی بر جامعه

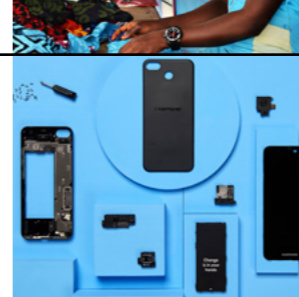
برگردان از سیده زینب صالحی



۳۲

فِر فون

برگردان از گیتا صالحی



۳۶



# کارآفرینی اجتماعی؛ بخشی از مشکل یا پاسخی به مشکل؟

فائزه درخشانی



شکل جاافتاده کارآفرینی، کسب و کار و تجارت در جهان امروز به صورتی است که سود را اولین اولویت هر تصمیم و اقدامی در کسب و کار قرار می‌دهد.



همه چیز از خود عنوان شروع می‌شود: «کارآفرینی اجتماعی». تعریف دقیقی از این مفهوم که مورد قبول و موافقت همه باشد وجود ندارد، به همین دلیل است که افرادی با عقاید و رویکردهای کاملاً متفاوت را می‌توانیم ببینیم که کار خود را کارآفرینی اجتماعی می‌خوانند و می‌دانند. عام‌ترین تعریف این مفهوم می‌گوید کارآفرینی اجتماعی یعنی استفاده از روش‌های کارآفرینی برای حل مشکلات اجتماعی. اما بر سر تعریف روش‌های کارآفرینی و مشکلات اجتماعی اتفاق نظری وجود ندارد.

شکل جاافتاده کارآفرینی، کسب و کار و تجارت در جهان امروز به صورتی است که سود را اولین اولویت هر تصمیم و اقدامی در کسب و کار قرار می‌دهد. ایل، نایک، اچ اند ام و... شاید بتوان گفت اکثریت قریب به اتفاق کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ، تولید محصولاتشان بر زنجیره تولید و تامین استوار است که در آن حقوق نیروی کار و حفاظت از محیط زیست اهمیت چندانی ندارد!

از طرف دیگر مشکلات اجتماعی از دید افرادی با نگرش‌های مختلف به جهان، متفاوت هستند. حتی اگر درباره مسئله‌ای مانند «فقر» به عنوان یک مشکل اتفاق نظر وجود داشته باشد، نگرش‌های متفاوتی به دلایل فقر، اثرات فقر و راه حل‌ها در این باره وجود دارد. در نتیجه ما با کارآفرینی‌های اجتماعی بسیار متنوعی روبرو هستیم که کارکرد و اثرات یکسانی بر جامعه و طبیعت ندارند.

دسته اول که البته تقریباً دسته‌های دیگر قبولش ندارند، کسانی هستند که از عنوان کارآفرینی اجتماعی برای کسب سود شخصی استفاده می‌کنند. در واقع مشکل اجتماعی‌ای که برای حلش می‌کوشند مشکل شخصی خودشان است و تعریف کارآفرینی اجتماعی را

۱ گرچه معمولاً این شرکت‌ها سعی می‌کنند با کمپین‌های تبلیغاتی که مصداق سبزشویی و آگاهی‌زدایی هستند وانمود کنند که نسبت به مسئولیت اجتماعی خود حساس هستند، اما در عمل واقعیت اصلی و روزمره فعالیت‌های این شرکت‌ها را می‌توان از اخباری که گاه به گاه درباره وضعیت کارگران آنها و... منتشر می‌شود دریافت.

آن قدر وسیع در نظر می‌گیرند که هرکسی که کار می‌کند را شامل می‌شود، چون بالاخره هر کاری لاقلاً مشکل بیکاری خود آدم را رفع می‌کند!

دسته دوم کارآفرینی‌های اجتماعی‌ای هستند که بر روی رفع یک کمبود خاص تمرکز می‌کنند، نه با دلایل و نه با اثرات مشکل کار چندانی ندارند. این گروه از کارآفرینی‌های اجتماعی بسته به رویکردی که نسبت به روش‌های کارآفرینی دارند می‌توانند اثرات مثبت یا منفی بجا بگذارند. در واقع اگر این مجموعه‌ها در مسیر فعالیت خودشان، در زمینه رعایت حقوق کارگران و آسیب زدن به محیط زیست حساس باشند، می‌توانند در محدوده فعالیت‌شان مفید و موثر باشند. به عنوان مثال مجموعه‌ای که وظیفه‌اش را تامین صبحانه کودکان مناطق حاشیه شهرها قرار داده است می‌تواند روی زندگی و آینده این کودکان اثرگذار باشد. اما اگر در مسیر فعالیتش در حال آسیب زدن به کارگران یا محیط زیست باشد، متأسفانه خودش تبدیل به جزئی از ساختار آسیب‌رسان می‌شود، حتی اگر در بخشی نقش مثبتی ایفا می‌کند.

گرچه برخی از این سازمان‌های آسیب‌رسان، به دلیل بینش و خوانش متفاوتی که از مسائل اجتماعی دارند، بالکل منکر آسیب زدن خودشان هستند. به عنوان مثال کسی که معتقد است پایین بودن حقوق کارکنانش جزئی از شرایط تولید



است و حتی خیلی خوشحال می‌شود اگر بتواند این دستمزد را کمتر هم بکند.

دسته سوم کارآفرینی‌های اجتماعی در عین اینکه مانند دسته دوم سعی می‌کنند مشکل خاص و مشخصی را برای حل کردن انتخاب کنند، اما نیم‌نگاهی به ساختارهای مشکل‌ساز و نتایج مشکلات دارند و براساس این عوامل راه‌حل‌های متفاوتی طراحی می‌کنند که لزوماً منجر به رفع مستقیم یک کمبود خاص نمی‌شود، بلکه گاهی سعی در ایجاد تغییر در ساختارهای اجتماعی‌ای دارد که چنین مشکلی ایجاد کرده‌اند. به عنوان مثال سعی می‌کنند با آموزش، ترویجگری، تغییر قوانین، همراه با تغییر ساختارهای اقتصادی یا ایجاد فرصت‌های اقتصادی و... یک مشکل اجتماعی را حل کنند. این گروه هم در صورتی که شناخت درست و عمیقی از مشکلات اجتماعی و ریشه‌های آن‌ها داشته باشند و به شکلی صحیح و واقعی شناختی مبتنی بر مشارکت از جامعه و گروه هدف خود به دست آورند، می‌توانند اثرات مثبت زیادی داشته باشند، چون به شکل عمیق‌تری به مشکلات اجتماعی نزدیک می‌شوند. اما اگر تنها بر مبنای شناخت و بینش شخصی خودشان پیش بروند و نسبت به انواع ساختارهای تبعیض‌آمیز یا سلطه در جامعه آگاه نباشند، می‌توانند اثرات منفی عمیق‌تری هم بر جای بگذارند. به عنوان مثال سعی کنند به افراد دارای معلولیت کمک کنند تا شاغل شوند، اما تمام تبلیغات‌شان بر جلب ترحم استوار باشد.

دسته چهارم کارآفرینی‌های اجتماعی در زمینه انتخاب مشکل و راه‌حل مشابهت‌های زیادی به دسته سوم دارند، با این تفاوت که سعی دارند نسبت به ساختارهای تبعیض و سلطه، پایمال کردن حقوق انسان‌ها در زنجیره تولید و نابود کردن محیط‌زیست، حساس باشند. تجارت‌های عادلانه در این دسته قرار می‌گیرند و در واقع ده اصل تجارت عادلانه به عنوان تضمینی برای رعایت این مسائل تعریف و وضع شده‌اند. به عنوان مثال پرداخت عادلانه به زنجیره تولید، عدم تبعیض بین زنان و مردان در کار، استفاده نکردن از کار کودک، احترام به محیط زیست، تضمین شرایط کاری مناسب، شفافیت و پاسخگویی و... همه سعی دارند که مسیر درست را در کنار هدف درست تأمین کنند!

البته در مورد تمام این چهار دسته ملاک، عمل و نوع فعالیت سازمان‌ها و گروه‌هاست نه ادعایی که دارند. ممکن است گروهی ادعا کند تجارت عادلانه است، اما در عمل گامی در جهت رفع تبعیض بین زنان و مردان برندارد. در این صورت می‌توان گفت که این مجموعه در حال «آگاهی زدایی» است و از عنوان تجارت عادلانه تنها برای برندینگ و تبلیغات خود سوءاستفاده می‌کند تا پوششی برای آن چیزی باشد که واقعا در آن شرکت و کسب و کار در جریان است.

ما فکر می‌کنیم گروه‌هایی از کارآفرینی‌های اجتماعی در سه دسته آخر که عملکرد و اثرات مثبتی دارند (براساس چیزی که در بندهای بالاتر توضیح داده شد) در شرایط فعلی ما می‌توانند بسیار موثر بوده و از آلام مردم بکاهند. در واقع در میانه این بحران بزرگ ناشی از همه‌گیری کرونا و مشکلات اقتصادی، کارآفرینی‌های اجتماعی‌ای که هدفشان به واقع چیزی به جز کسب سود باشد می‌توانند گروه‌ها



استفاده از پتانسیل نوآوری و کارآفرینی اجتماعی یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند قدرت‌های کوچک ما را در کنار هم جمع کند و توان حل مشکلات را، حتی شده در اندازه‌ای کوچک فراهم کند.

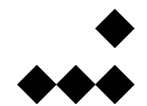
و مجموعه‌هایی را شکل بدهند که با هم بر روی رفع کمبودها، مشکلات و ساختارهای مشکل‌زا کار کنند.

وقتی مشکلات اجتماعی از حدی عبور کردند که بسیاری از ساختارها و نهادهایی که می‌توانستند و وظیفه داشتند از بار مشکلات مردم بکاهند یا از کار افتاده‌اند یا در جهت عکس کار می‌کنند و خود تبدیل به بنگاه‌های اقتصادی سودمحور شده‌اند، استفاده از پتانسیل نوآوری و کارآفرینی اجتماعی یکی از گزینه‌هایی است که می‌تواند قدرت‌های کوچک ما را در کنار هم جمع کند و توان حل مشکلات را، حتی شده در اندازه‌ای کوچک فراهم کند.

بر همین مبنای این شماره بعضی کارآفرینی‌های اجتماعی در نقاط مختلف دنیا را معرفی کرده‌ایم، با این امید که جرقه‌ای برای حرکت بیشتر ما در ایران باشد. گرچه براساس مطالعات انجام شده و تجربه دست‌آورد به خوبی می‌دانیم که ایجاد و رشد چنین سازمان‌هایی در فضای کنونی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کار بسیار سختی است. هم تأمین بودجه و منابع مالی کار سختی است، چون آمیدی به بازگشت سود وجود ندارد. هم اداره سازمان و زنده نگه داشتن آن کار سختی است، چون سازمان در رقابت با مجموعه‌هایی سودمحور قرار دارد، در حالی که خودش در جهت انباشت سود فعالیت نمی‌کند. بنابراین قادر به صرف بودجه‌های کلان برای تبلیغات یا کارهای این چنینی نیست. اما این امید وجود دارد که با دیدن اثرات وحشتناک فقر و نابرابری در دنیا- به ویژه پس از همه‌گیری کرونا- افراد بیشتری با استفاده از خدمات و تولیدات این مجموعه‌ها و با به راه انداختن چنین کارهایی، به سمت کاستن از نابرابری حرکت کنند.

۱ گرچه سازمان‌های جهانی صادرکننده گواهی تجارت عادلانه نیز مشکلاتی دارند که مهمترین آنها هزینه بالای صدور گواهی‌هاست که باعث می‌شود کشورهای فقیر و کسب و کارهای کوچک در این زمینه دچار مشکل شوند. گرچه این هزینه به دلیل هزینه نظارت بر کسب و کارها بالاست، اما وقتی هدف کمک به فقیرترین‌ها باشد، باید راه حل مناسبی هم برای رفع این مشکل اندیشیده شود.





## شرکت تعاونی موندراگون: موفقیت‌ها و چالش‌ها

نویسنده: شارین کسمیر  
برگردان از آمنه هشیوار



مسطح در مقایسه با نسبت کلی اسپانیا که حدود ۱ به ۱۲۷ است). اصل اساسی موندراگون، سلطه کار بر سرمایه، در توزیع مازاد به حساب سرمایه اعضا در Caja Laboral مشهود است، جایی که این سرمایه مازاد به عنوان پس‌انداز خصوصی نگهداری می‌شود اما برای سرمایه‌گذاری در گروه تعاونی قابل دسترسی خواهد بود.

در حالی که موندراگون اغلب یک نقطه شروع برای کسانی است که به دنبال یک جهان واقعی جایگزین کاپیتالیسم هستند، سوالات حیاتی در مورد کارگران رده بالای تعاونی‌ها، طبقه و شرایط کار اغلب به حاشیه رانده می‌شود.

اگرچه تمامی این تعاونی‌ها در منطقه باسک متمرکز شده‌اند، با این وجود موندراگون در سال ۱۹۹۰ به شهرت جهانی رسید، و در حال حاضر حدود ۱۰۰ شرکت تابعه خارجی و مبادلات مشترک را کنترل می‌کند که عمدتاً در کشورهای در حال توسعه و پسا سوسیالیست، با دستمزد پایین یا بازارهای در حال توسعه قرار دارند. این بنگاه‌ها توسط کارگران اداره نمی‌شوند، و کارکنان آن از حقوق یا امتیازات یکسان با سایر اعضا برخوردار نیستند. در عوض، کارگر مزدی تلقی می‌شوند. حتی در منطقه باسک و اسپانیا، تعاونی‌های صنعتی و خرده‌فروشی تعداد قابل توجهی کارگر موقت را با قراردادهای کوتاه مدت استخدام می‌کنند. امروزه، تنها حدود نیمی از مشاغل موندراگون به صورت تعاونی هستند و فقط یک سوم کارکنان آن عضو رسمی شرکت تلقی می‌شوند.

در سال ۲۰۱۳ شرکت فاگور الکترو دامستیکس<sup>۳</sup> (در بخش لوازم خانگی) اعلام ورشکستگی کرد و به یکی از قربانیان بحران مالی سال ۲۰۰۸ تبدیل شد که به بازار مسکن اسپانیا و بخش لوازم خانگی شوک بزرگی وارد کرد. گروه موندراگون سال‌ها شرکت فاگور را مورد حمایت مالی خود قرار داد، اما سرمایه‌گذاری‌های این برند در ۱۸ کارخانه میان ۶ کشور جهان بیش از پیش غم‌انگیز شد، تا اینکه تعاونی‌های وابسته به موندراگون دیگر حاضر به نجات فاگور نبودند. این

در پی بحران مالی و شورش‌های ضد ریاضت اقتصادی، علاقه روزافزون به رشد مناسبات اجتماعی غیرسرمایه‌داری و اقتصاد همبستگی در ایالات متحده و اروپا به وجود آمده است: اساتید دانشگاه و مدافعان این جریان بر این عقیده هستند که تعاونی‌های متعلق به کارگران امنیت مشاغل را افزایش می‌دهد، امکان نظارت و کنترل در اختیار کارگران قرار می‌دهد و باعث افزایش همبستگی می‌شود. این تحولات، به گفته آنها، بذره‌های شکلی از سوسیالیسم یا حداقل یک نوع سرمایه‌داری دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر را می‌پروراند.

غالباً، موندراگون در منطقه باسک اسپانیا، که به طور گسترده به عنوان موفق‌ترین شرکت تعاونی تحت مالکیت کارگران در جهان مطرح است، به عنوان یک مدل مورد بحث قرار گرفته است. با شروع از دهه ۵۰ میلادی به عنوان یک پروژه اقدام کاتولیک، امروزه گروه موندراگون شامل ۲۵۷ مؤلفه مالی، صنعتی، خرده‌فروشی و تحقیق و توسعه است که حدود ۷۴۰۰۰ نفر در آن مشغول به کار هستند. این تعاونی‌ها هر چیزی از تجهیزات تجاری آشپزخانه (با نام تجاری فاگور<sup>۲</sup>) گرفته تا ربات‌های صنعتی را تولید می‌کنند؛ غول خرده‌فروشی Eroski، ۲۰۰۰ بازار فروش در سراسر اروپا را در اختیار دارد؛ و بانک Caja Laboral و تعاونی امنیت اجتماعی ارائه‌دهنده خدمات مالی به اعضا و کسب و کارهای وابسته است. این تعاونی‌ها به صورت اتحادیه مستقل نشده‌اند و سهامداران خارجی ندارند. در عوض، هر کارگر یا مدیر به عنوان عضوی از شرکت در آن سرمایه‌گذاری می‌کند و در مجمع عمومی آن صاحب یک رأی است. هر تعاونی در کنگره تعاونی‌ها، یعنی جایی که تصمیمات تجاری و برنامه‌های کلی سیستم اتخاذ می‌شود، جهت ارائه حاضر می‌شود.

اندازه و موفقیت موندراگون باعث شده که این شرکت در میان تجربیات تعاونی‌ها منحصر به فرد به شمار رود، و از بسیاری جهات قابل تحسین باشد. این تعاونی حتی در زمان بحران‌های اقتصادی نیز شغل اعضای خود را در منطقه باسک اسپانیا ابقا کرده است. با ارائه رفتار و اخلاق همبستگی، اعضای تعاونی کاهش حقوق و سرمایه‌گذاری وجوه اضافی را پذیرفته و در صورت لزوم بین تعاونی‌ها جابه‌جا می‌شوند. موندراگون بالاترین حقوق مدیریتی خود را به حدود نه برابر حقوق اعضای کم درآمد خود محدود می‌کند (در یک مقیاس کاملاً





ورشکستگی ۵۶۰۰ شغل را با تهدید جدی مواجه کرد.

شهر موندراگون با ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت به شدت ضربه دید. اعضای ثابت فاگور در موندراگون و شهرهای اطراف وادار به بازنشستگی پیش از موعد شده و یا به تعاونی‌های دیگر منتقل شدند. اما کارگران قراردادی محلی و ۳۵۰۰ کارمند شرکت‌های تابعه فاگور مورد حمایت مشابه قرار نگرفتند. سرنوشت آنها و شرایط کارمندان در سایر شرکت‌های تعاونی تابعه به اندازه اصول تعاونی، ساختارهای دموکراتیک و توزیع مزاد بر اعضا، بخشی از داستان موندراگون به شمار می‌روند. اعتصاب سال ۲۰۰۸ در وروسلاو لهستان، علیه حقوق کم و سرکوب ضد اتحادیه، سؤالاتی را در مورد نیروی کاری سه طبقه (اعضای تعاونی در کشور باسک، کارگران موقت در سراسر اسپانیا و کارگران مزدی در شرکت‌های تابعه) در فاگور ایجاد کرد. آیا امنیت شغلی، حقوق کافی و مشارکت در محل کار در کشور باسک به بهره‌برداری در جایی دیگر بستگی دارد؟

مطالعه شرکت‌های تابعه موندراگون در چین با مقایسه کارخانه‌های تحت مالکیت تعاونی‌ها با شرکت‌های سرمایه‌دار تحت مالکیت خارجی‌ها نشان داد که دستمزدها کم، ساعت کاری طولانی و شرایط سخت و زننده است. تعاونی‌های موندراگون دقیقاً مانند رقبای سرمایه‌دار خود در چین سرمایه‌گذاری می‌کنند تا کالاهای پر زحمت را ارزان تولید کرده و در نزدیکی بازارهای نوظهور قرار بگیرند. هنگامی که استراتژی فوق توسط اعضای تعاونی به اتفاق آرا رسید، پذیرفتند یک استراتژی بین‌المللی را اتخاذ کنند.

آیا شرکت‌های تابعه می‌توانند به تعاونی تبدیل شوند؟ چارچوب‌های قانونی مشخص ملی این مسئله را دشوار می‌سازد، اگرچه کنگره تعاون ۲۰۰۳ خواستار "گسترش اجتماعی" به منظور توسعه مشارکت و دموکراسی بود. سازمان غیرانتفاعی موندراگون با کمک به USW<sup>4</sup> به منظور توسعه تعاونی‌های اتحادیه‌ای در ایالات متحده و همکاری با یک خشکشویی تجاری که اخیراً در پیتسبورگ راه‌اندازی شده است، امیدوار است که بتواند یک شبکه جهانی اقتصاد اجتماعی را تقویت کند. با این اوصاف، تعاونی‌های تابعه موندراگون همچنان مانند شرکت‌های استاندارد عمل می‌کنند، اگرچه هدف آنها به حداکثر رساندن سود سهامداران نیست بلکه هدف آنها حفظ مشاغل و تعاونی‌های موجود در منطقه باسک است.

با توجه به تلاش‌ها در جهت آموزش کارگران در مکزیک و تبدیل کردن یک نهاد خصوصی در گالیسیای اسپانیا به تعاونی، بسیاری از تحلیلگران به گروه موندراگون اعتماد پیدا کرده‌اند که با کارکنان غیر عضو به خوبی رفتار خواهد کرد. با این حال، سایرین معتقدند که استراتژی جهانی موندراگون ثابت می‌کند که تعاونی‌ها نمی‌توانند در دریای سرمایه‌داران به حیات خود ادامه دهند؛ که در این رویارویی، تعاونی‌ها یا به شرکت‌های سرمایه‌داری تبدیل خواهند شد یا بنیان‌گذارشان خواهند بود.

اما این مشکلات سابقه طولانی‌تری دارند. در اواخر دهه ۸۰ میلادی، دریافتیم که شرایط طبقه کارگر، مشارکت کارکنان عادی در تصمیم‌گیری و شناسایی

کارگران در تعاونی فاگور، بهتر از کارخانه‌های سرمایه‌داری با نیروی کار دارای اتحادیه نبوده است. گذشته از این، اعضای تعاونی با جنبش کارگری باسک (که در آن زمان، بخشی از یک ائتلاف چپ فعال به شمار می‌رفتند) همبستگی چندانی نشان ندادند. موندراگون به عنوان یک نهاد، از این سیاست‌ها دور شد و در حالی که کارگران محلی بخش فلزات در اعتصاب به سر می‌بردند، اعضای تعاونی در شغل خود باقی ماندند.

ممکن است موندراگون به عنوان یک مأمون ضد سرمایه داری ظاهر شود، اما درس‌های مهمی در تجربیات فعالیت آن وجود دارد، به ویژه اگر کارگران (اعضا، کارگران قراردادی و کارگران مزدی) و جنبش‌های طبقه کارگر در مرکز توجه قرار داده شوند. نقش تعاونی‌ها در ایجاد یک جنبش اجتماعی و کارگری گسترده چیست و چگونه انگیزه‌های برابری طلبانه موندراگون می‌تواند دید سیاسی گسترده تری را تقویت کند؟ موندراگون نقطه شروعی بر تفکر ضد سرمایه داری ارائه می‌دهد، اما این مثال به اندازه سوالات سختی که درباره طبقه و قدرت ایجاد می‌کند، برای مدل کسب و کار جایگزینی که مجسم کرده، ارزشمند است.

منبع:

<https://globaldialogue.isa-sociology.org/the-mondragon-coopera-tives-successes-and-challenges>



## سه زن کارآفرین که با مد اخلاقی بر زندگی بسیاری تاثیر گذاشتند



### برگردان از سپیده شهبازی

اگر در حوزه تاثیرگذاری اجتماعی کار می‌کنید یا از برندها و رهبرانی حمایت می‌کنید که در حال تبدیل کردن دنیا به جای بهتری هستند، نسبت به الهام‌بخشی این فعالان، مبارزان و راه‌گشایان شکی ندارید. این سه زن کارآفرین اجتماعی در فضای تاثیرگذاری پیشگام و الهام‌بخش‌اند. هر کدام از آنها به شیوه خاص خودش با کسب و کاری که به راه انداخته چیزی زیبا و قدرتمند آفریده است.

### سوزت مانسون<sup>۵</sup>، بنیان‌گذار و طراح لاو<sup>۴</sup>

سوزت مانسون بنیان‌گذار یک شرکت تولید کیف چرمی و زیورآلات به نام لاو<sup>۴</sup> است که مأموریت خود را توانمندسازی زنان و کودکان و کسانی که دچار فقدان عظیمی شده‌اند تعریف کرده است. او همسر، مادر، کارآفرین، نیکوکار و الهام‌بخش بسیاری از اطرافیانش است.

عشق سوزت به مردم به او انگیزه می‌دهد. او و خانواده‌اش راهی را طی کردند که کمتر کسی در آن پا می‌گذارد، خانه همیشگی‌شان را رها کردند تا در یک چادر در تگزاس زندگی کنند، آنها به نقاط مختلف جهان سفر کردند، در طول سفر بچه‌هایشان را برای کار آموزش می‌دادند و در واقع جهان و فرهنگ‌های گوناگون را به آنها معرفی می‌کردند.

از شروع کار در ۲۰۱۲ از ۳۵۰ کودک در آفریقا حمایت کردند، مهد کودک ۱۴۰ کودک را به طور رایگان تامین کردند و بیش از ۱۴۳۰۰۰ دلار کمک مالی به زندگی افراد محروم در سراسر جهان در خصوص آموزش، آموزش شغلی، غذا، لباس و... اختصاص دادند.

آنها به آموزش شغلی زنان نیز کمک می‌کنند. از سال ۲۰۱۲، ۶۳۰ زن با تکمیل دوره‌های خود در خیاطی یا

آرایشگری در آموزشگاه حرفه‌ای مرکز زنانه زندگی جدید آفریقا<sup>۷</sup> مدرک دریافت

<sup>۵</sup> Suzette Munson

<sup>۶</sup> Love41

<sup>۷</sup> Africa New Life Womens Center Vocational School.

کردند تا در برداشتن قدم بعدی در زندگی به آنها کمک کند.

وقتی مأموریت‌شان در رواندا آغاز شد، همچنان کارشان را در مکزیک و آمریکا ادامه دادند. آنها مهدکودکی رایگان به نام لئونسیتو<sup>۸</sup> برای کارکنان لاو<sup>۴</sup> در کارخانه‌شان در مکزیک تاسیس کردند. به علاوه برای کودکان و

بزرگسالان در شهر و با کمترین قیمت کلاس زبان انگلیسی، کامپیوتر، موسیقی برگزار کردند تا به ارتقا فرصت‌های شغلی آنها کمک کنند.



### گوئندولین فلوید<sup>۹</sup>، از بنیان‌گذاران سوکو<sup>۱۰</sup>

سوکو یک خط تولید جواهرات است و مثل هیچ کدام از هم‌صنفانش نیست. فناوری در این صنعت/هنر به صنعتگران اجازه می‌دهد با تکیه بر مهارت‌هایی که مدت‌هاست توسط گوشه‌های هوشمند فراگرفته‌اند در نقاط دیگر جهان کارآفرینی کنند. صنعتگران در کشورهای در حال توسعه اغلب به دلیل دسترسی محدود به فناوری، چالش‌های جغرافیایی و جو اقتصادی حکمفرما در جهت کسب سود بیشتر از پیشرفت باز می‌مانند، اما با وجود سیستم شخصی سازی شده فناوری در سوکو، زندگی آنها می‌تواند بهتر شود.

با آوردن تخصصی از پس‌زمینه به متن کارآفرینی و استفاده از فناوری تلفن

<sup>۸</sup> Leonsitos

<sup>۹</sup> Gwendolyn Floyd

<sup>۱۰</sup> Soko

پروژه بین‌المللی پرنس که پروژه‌های غیرانتفاعی بود بعدتر به پروژه کسب و کار سودارا تبدیل شد. خط تولید لباس راحتی برای فروش در ایالات متحده که به دست زنانی تولید می‌شد که از قاچاق جنسی گریخته بودند یا در معرضش قرار داشتند.

باشد که در هند برای فرار از این بیگاری تلاش می‌کنند. شرکت سودارا راه حل شانون بود. او زنان را از قاچاق جنسی در امان نگه می‌دارد.

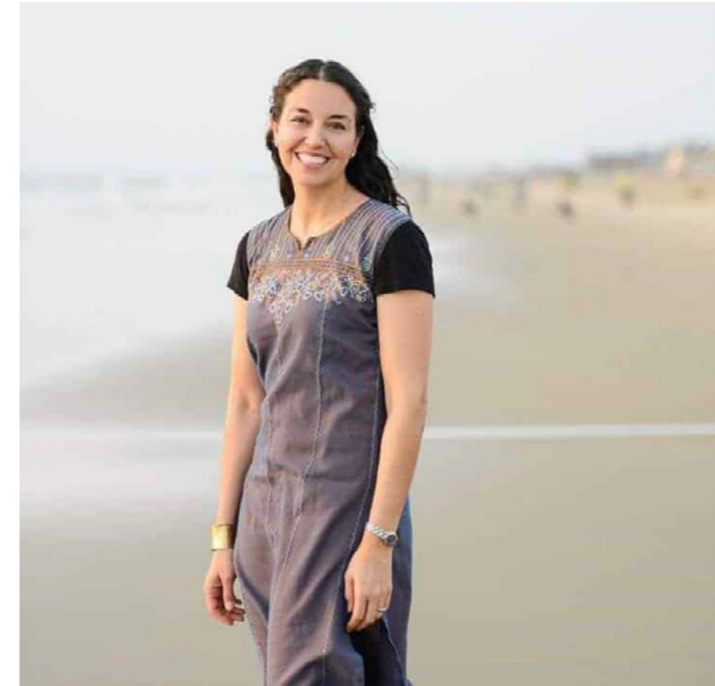
پروژه بین‌المللی پرنس<sup>۱۴</sup> که پروژه‌های غیرانتفاعی بود بعدتر به پروژه کسب و کار سودارا تبدیل شد. خط تولید لباس راحتی برای فروش در ایالات متحده که به دست زنانی تولید می‌شد که از قاچاق جنسی گریخته بودند یا در معرضش قرار داشتند.

در سودارا نزدیک به دویست زن در بخش خیاطی شلوار راحتی با مراکز همکارشان کار می‌کنند. بسیاری درنیافته‌اند که کمبود درآمد یکی از دلایل اولیه ورود زنان به تجارت جنسی یا اجبار آنها به این کار است.

سودارا نه فقط در خیاطی، بلکه به آموزش زنان در فناوری اطلاعات، آرایشگری، پرستاری، خیاطی سفارشی و موارد دیگر نیز کمک می‌کند. شرکای آنها هر چهار ماه ۲۰۰ زن را آموزش می‌دهند و ۸۹ درصد آنها را سرکار می‌فرستند.

#### منبع:

<https://www.causeartist.com/female-social-entrepreneurs-using-ethical-fashion-to-impact-lives>



شانون همین طور که قصه دخترانی که برای بردگی فروخته شده بودند، از خیابان‌ها جمع شده و به بیگاری گرفته شده بودند را می‌شنید، برندی را تصور می‌کرد که پیوندی میان زنان جهان با زنانی باشد که در هند برای فرار از این بیگاری تلاش می‌کنند.

همراه برای توسعه، گوئن برندی ساخت که در آن زنان برای زنان دنیای بهتری بسازند. با وجود مرکزی در نایروبی کنیا و مرکزی در سانفرانسیسکو آمریکا جایی که گوئن هم به آنجا تعلق دارد، و تیمی در نیویورک، سوکو حقیقتاً یک برند جهانی است.

به دلیل مزیت‌های گوئن در غرب، اگر او در حال کار در مرکز نایروبی نباشد، با حضور در کنفرانس‌های استارت‌آپ و رویدادهای فناوری سیلیکون ولی<sup>۱۱</sup> اعتبار و وجهه شرکت سوکوست و همزمان با تیم‌های استراتژی و بازاریابی از نزدیک کار می‌کند.

صنعتگران به طور متوسط طی دو ماه پس از پیوستن به سوکو، درآمد خود را ۴ برابر افزایش می‌دهند. تا امروز آنها به بیش از ۱۰۰۰ صنعتگر از شرکت‌هایی که عمده کارکنانشان را زنان تشکیل می‌دهند، در ۳۰ کشور کمک کرده‌اند تا در مجموع ۴۰۰۰۰۰ دلار درآمد کسب کنند.

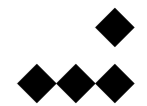
#### شانون کیت<sup>۱۲</sup>، بنیان‌گذار شرکت سودارا<sup>۱۳</sup>

شانون کیت مادر، همسر، فعال و کارآفرین اجتماعی است. بیش از ده سال پیش در سفری به هند تحت تاثیر مصائب برده‌داری مدرن قرار گرفت که الهام‌بخش او برای وارد شدن به میدان عمل شد. شانون همین طور که قصه دخترانی که برای بردگی فروخته شده بودند، از خیابان‌ها جمع شده و به بیگاری گرفته شده بودند را می‌شنید، برندی را تصور می‌کرد که پیوندی میان زنان جهان با زنانی

۱۱ Silicon Valley  
۱۲ Shannon Keith  
۱۳ Sudara



## هدف ما خلق میلیون‌ها نان‌آور است و نه تعداد کمی میلیونر



### برگردان از پرستو موسوی



کیفیت برخوردارند. برنامه‌های پس‌انداز و اعتبار مالی ما تلاش می‌کنند که نیاز مبرم فقرا به وام را، بدون مقروض شدن با بدهی‌های سنگین مد نظر قرار دهند.

با نگاه به آینده، من به شدت معتقد هستم که تجارت عادلانه پاسخ موثری برای بسیاری از مشکلات مرتبط با فقر است. تجارت عادلانه بایستی به جز بخش دست‌سازها و غذا، در سایر بخش‌ها نیز گسترش یابد. تولید و فروش هر آنچه که انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند با تجارت عادلانه، راه حل معقولانه و رو به جلویی است. یکی از روش‌های مبارزه با عدم تساوی رو به رشد در جامعه، آن است که مطمئن شویم دستمزدهای عادلانه به همه افراد پرداخت می‌شود. من امیدوارم که موسسه دست‌ساخته‌های خلاق به زنان بیشتری دسترسی پیدا کند. من امیدوارم که از نظر جغرافیایی به آن طرف مرزهای مومبای (بمبئی) دست یابیم، به تحت پوشش قرار دادن زنان مناطق حاشیه‌ای که در بدبختی و محرومیت بیشتری زندگی می‌کنند. ما قادر هستیم بورسیه تحصیلی برای هزاران کودک محروم از تحصیل فراهم کنیم. این هدف بایستی بدون از دست دادن هویت اصلی خود؛ ایستادن در کنار فقرا و کار برای آنها، انجام شود. در نهایت، برای من شادمانی بزرگی است که شاهد تحولات در حال رخ دادن در زندگی بسیاری از زنان هستم. لازم به ذکر است که ما نیازمند آن هستیم که نتایج و چشم انداز بلندمدت را در نظر داشته باشیم. بیش از یک نسل طول خواهد کشید تا تغییرات اساسی، اثرگذار شوند. من از تمامی حامیان و شرکایمان که به صورت خستگی ناپذیر در سی سال گذشته حامی ما بودند، سپاسگزاری می‌کنم.

### منبع:

<https://creativehandicrafts.org/about-us/#vision>

از اوایل تاسیس موسسه دست‌ساخته‌های خلاق (Creative Handicrafts) توانمندی زنان رسالت شرکت بوده است. با این وجود، پیاده سازی کسب و کارهای اجتماعی، چالش‌های بسیاری را به همراه دارد. این نوع کسب و کارها اغلب در رویارویی با بازار بسیار رقابتی و حساس به قیمت، غیرسازگار تلقی می‌شوند. در این نوع شرکت‌ها، نه تنها ضروری است که محصولات در کلاس جهانی تولید شوند بلکه بایستی این محصولات به خوبی بازاریابی شوند. علاوه بر آن، برای باقی ماندن در بازی، بایستی سودآور هم باشند. چالش دیگری که باید با آن روبرو شویم در خصوص مشکل درک اعضای زن ما از معنای «کلاس جهانی» و «کیفیت بین‌المللی» است.

ما بایستی بین مهارت و ظرفیت زنان شرکت با خواسته‌های مد اروپا و آمریکا تعادل ایجاد کنیم. ایجاد این تعادل نیازمند آموزش و چگونگی مهندسی دامنه محصولاتمان است. همچنین نیازمند به کشف بازارهای جدید هستیم. با پشتیبانی قوی شرکای تجارت عادلانه ما در اروپا و آمریکا، شاهد موفقیت بیشتر در نفوذ به چنین بازارهایی بوده‌ایم.

با نگاه به گذشته، از هدفی که برای خود تعیین کرده بودیم، پیشی گرفته‌ایم. ما در ورود به دنیای پر مدعا و زیاده خواه مد و تولید برای بازارهای اصلی تردید نکردیم. اعضای زن ما به صورت مکرر برای رویارویی با چالش ارتقا یافتند. امروز ما یک سازمان مطمئن تجارت عادلانه و قابل احترام در جامعه هستیم. گردش مالی ما ۳۰ برابر بیشتر از ۱۰ سال گذشته است. این موفقیت بزرگی برای سازمان کوچکی مانند ماست.

موسس و معتمدین ما همواره تاکید داشته‌اند که بهبود وضعیت اقتصادی زنان توسعه و قدرتمندی همه جانبه آنها را تضمین نمی‌کند. از این جهت، تیم توسعه جامعه محلی ما بر برنامه‌های اجتماعی همراه تاکید دارند. هدف، کمک به زنان برای بهره بردن از دستاوردهای اقتصادی خود در تمام جنبه‌های زندگی‌شان است.

برای کودکان زاغه‌نشین و کودکان قبیله‌ها، ندیدن راهرو مدرسه رسمی هرگز موضوع غیرعادی نبوده است. بورسیه تحصیلی و برنامه‌های پیش دبستانی ما، پاسخی به این مشکل است. بورسیه‌های تحصیلی برای اطمینان یافتن از آن است که بچه‌های زنان تحت پوشش ما، علی‌الخصوص دختران، از تحصیلات با



## برگردان از حمیدرضا واشقانی فراهانی

قدرت‌یابی<sup>۱</sup> زنان، تحول در زندگی‌ها

رهیافتی کل‌نگر به قدرت‌یابی

«باور ما این است که زنان نابرخوردار و بدون مهارت می‌توانند جهان خود را متحول کنند، و بعد مانند موج‌هایی خروشان، این زنان جهان ما را دگرگون خواهند کرد»

«از موسسه دست‌ساخته‌های خلاق به خاطر این فرصت را برای من ایجاد کردند تا آن وقتی که هیچ تکیه‌گاهی نداشتم، با زندگی رودررو شوم، و به خاطر این که به من کمک کردند تا به مشکلاتم غلبه کنم و بچه‌هایم را به تنهایی بزرگ کنم، ممنونم.»

سویتهاترادر، عضو تعاونی موسسه دست‌ساخته‌های خلاق

## آموزش و مراقبت از کودکان؛ سرمایه‌گذاری روی نسل آینده

-آموزش مهد و پیش‌دبستان

بالوادی<sup>۲</sup>

پروژه بالوادی امکان رشد آموزشی برای کودکان ۳ تا ۶ ساله زاغه‌ها و نواحی ایلیاتی آندهری و گورگائون آری میلک فراهم می‌کند. در حال حاضر ۵ بالوادی در زاغه‌ها و دهکده‌های ایلیاتی فعالیت می‌کنند.

بالوادی‌ها در واکنش به مساله سوءتغذیه و از مدرسه جاماندن کودکان در زاغه‌ها و مناطق ایلیاتی اطراف آندهری شروع به کار کردند. بالوادی‌های موسسه دست‌ساخته‌های خلاق آموزش‌های پایه‌ای فراهم و از این که کودکان در سن مناسب وارد مدرسه شوند اطمینان حاصل می‌کنند.

بالوادی‌ها روی ۱۳۵ کودک در یک سال گذشته اثرگذار بوده‌اند.

-مراکز رشد کودک (بالویکاس کندرا)

مراکز رشد کودک یا بالویکاس کندرا به زبان محلی، با هدف فراهم کردن فضای

empowerment ۱

۲ Balwadi به مراکز آموزشی پیش از مدرسه که مخصوص طبقات نابرخوردار طراحی شده‌اند می‌گویند.

امن وقت‌گذرانی، استراحت و مطالعه برای کودکان اجتماعات محلی، هنگامی که والدینشان سر کار هستند، شروع به کار کردند. در ابتدا این کودکان فرزندان افرادی بودند که به تکدی مشغول بودند.

امروز هر خانواده‌ای می‌تواند فرزند ۳ الی ۱۶ ساله‌اش را در این مراکز با شهریه ماهی ۱۰ روپیه ثبت‌نام کند. در این مراکز به کودکان صبحانه و نهار داده می‌شود و یک معلم تمام‌وقت پیگیر تکالیف مدرسه بچه‌هاست و اطمینان حاصل می‌کند که تکالیف انجام می‌شوند. کودکانی که در این مراکز ثبت‌نام می‌کنند کم‌تر از مدرسه اخراج می‌شوند و شانس آن‌ها برای ادامه تحصیل در مقاطع عالی افزایش می‌یابد.

در سال گذشته مراکز رشد کودک از ۳۱۳۰ کودک حمایت کرده‌اند.

-مهدکارگاه و مراقبت روزانه

وقتی موسسه دست‌ساخته‌های خلاق کارش را شروع کرد، زنان موقع کار، بچه‌هایشان را هم به تعاونی‌ها می‌آوردند. این که بخواهی کار کنی و از بچه هم مراقبت کنی کار راحتی نیست. همین موضوع باعث شد برای زنانی که در تعاونی کار می‌کردند و به مراکز آموزشی می‌آمدند مهد-کارگاه روزانه ایجاد شود. در طول روزهای کاری این مهدها برای کودکان ۶ تا ۱۶ ساله فضایی امن، غذا و امکان استراحت، بازی و آموزش فراهم می‌کنند.

در سال گذشته ۱۸۹ کودک از مراقبت روزانه موسسه دست‌ساخته‌های خلاق استفاده کرده‌اند.

-حمایت مالی آموزشی

یکی از راه‌های کمک به زنان در زاغه‌ها برای شکستن فقر این است که به آن‌ها کمک کنیم تا کودکان‌شان را وارد چرخه آموزش کنند. موسسه دست‌ساخته‌های خلاق با همکاری سازمان‌های غیردولتی تراموندی (اسپانیا) و لا جویوز وگ (بلژیک) یک برنامه حمایت مالی راه‌اندازی کرده است که برای هزینه‌های آموزشی حدود ۱۵۰ کودک حمایت مالی فراهم می‌کند. هرکسی می‌تواند برای حمایت مالی از این برنامه ثبت‌نام کند.







آن مجبور به گرفتن وام‌هایی شوند که ممکن است آن‌ها را به دردسر بیندازد. برای مدتی موسسه دست‌ساخته‌های خلاق با استفاده از اعانه‌های حامیان مالی از این زنان حمایت می‌کرد. اما روش ساختاریافته‌تری برای مسائل اورژانسی سلامت لازم بود.

صندوق مشترک سلامت که آروگیانیدهی نام دارد، در ژانویه ۲۰۱۰ شروع به کار کرد. این صندوق جایگزینی برای بیمه درمانی است و به صورت کامل توسط موسسه دست‌ساخته‌های خلاق برقرار شده و تامین می‌شود. همه اعضای تعاونی می‌توانند عضو آن شوند. اعضا حق بیمه ثابت ماهانه‌ای پرداخت می‌کنند و هزینه تمکیلی‌ای هم توسط موسسه دست‌ساخته‌های خلاق تامین می‌شود و زمانی که نیاز باشد هزینه‌های درمانی از محل آن پرداخت می‌شوند.

آروگیانیدهی به زنان کمک کرده تا بر دغدغه خاطر مشکلات مالی در مواقعی که با مشکلی بهداشتی و درمانی روبه‌رو می‌شوند غلبه کنند.

### قدرتیابی اجتماعی و اقتصادی

-مهارت‌آموزی

برای زنان ساکن زاغه‌ها و اجتماعات ایلپاتی که فاقد مهارت هستند و با مشکلات مالی شدید در خانواده‌شان دست‌وپنجه نرم می‌کنند آموزش خیاطی فراهم می‌شود. زنان بعد از بررسی وضعیت اجتماعی و اقتصادی‌شان انتخاب می‌شوند. با توجه به این که این زنان با مشکلات مالی روبه‌رو هستند، به آنان مقرری‌ای پرداخت می‌شود که بتواند وضعیت‌شان را در هنگام یادگیری خیاطی تسکین دهد.

پس از ۳ تا ۴ ماه پیش‌رفت هر زن در خیاطی ارزیابی می‌شود. آن‌هایی که به سطح مهارت قابل قبول رسیده باشند به تعاونی‌ها منتقل می‌شوند تا زندگی‌شان را بچرخانند. زنانی که زودتر مهارت‌ها را یادگیرند زودتر به تعاونی‌ها منتقل می‌شوند.

درسال گذشته ۶۰ زن خیاطی یادگرفته‌اند.



می‌شوند. این کودکان را تشویق می‌کنیم که وقتی از نظر مالی مستقل شدند از یک کودک دیگر نیز حمایت کنند.

۹۱ فارغ التحصیل دانشگاه به وسیله موسسه دست‌ساخته‌های خلاق حمایت مالی شده‌اند.

### مراقبت‌های بهداشتی

-اردوهای سلامت

سطح سلامت خوب در کیفیات و ظرفیت‌های زنان برای مدیریت کار و خانواده‌شان اثر گذار است. با این حال خیلی از زنان به خاطر توجه به خانواده یا کمبودهای مالی از سلامت خود غافل هستند.

مراقبت‌های پیش‌گیرانه در اجتماع محلی اولویت پایینی دارند. مراکز سلامت برای ایجاد حساسیت به اهمیت مراقبت‌های پیش‌گیرانه و دست‌رس‌پذیرتر کردن آن برای زنان اجتماع محلی و کودکان‌شان ایجاد شده‌اند. سالانه بیش از ۲۰۰ نفر از خدمات چادرهای سلامت که سالانه برپا می‌شوند بهره می‌برند.

برخی از خدمات:

چک‌آپ بینایی، سرطان، بهداشت زنان، غربال‌گری و آگاهی بخشی درباره بیماری سل، آگاهی بخشی درباره اچ‌آی‌وی/ایدز، دوره‌های کمک‌های اولیه، برنامه آگاهی‌افزایی درباره بهداشت باروری

-صندوق مشترک سلامت

زنان نابرخوردار و خانواده‌هایشان معمولاً برای حفظ سلامت خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند. نبود منابع مالی یعنی یا نتوانند نیازهای خود را برآورده کنند یا برای





در پروژه اصلی فود، روزانه ۵۱۰ بسته غذایی روزانه توسط ۲۰ زن آماده و ارسال می‌شود.

۲۰ زن روزانه غذاها را آماده می‌کنند.

-ظرفیت‌سازی

در طول این سال‌ها شاهد ارتقای زنان بوده‌ایم، نه فقط در وضعیت مالی‌شان، بلکه در وضعیت اجتماعی‌شان هم. ما زنانی را دیده‌ایم که با برنامه‌های متنوع آگاهی بخشی، مشاوره و راهنمایی، که مددکاران اجتماعی در موسسه دست‌ساخته‌های خلاق ارائه کرده‌اند، قدرت‌یافته‌اند. این زنان بعدتر قدمی به بیرون گذاشته‌اند تا از دیگرانی که در گروه‌شان مشکلاتی مشابه دارند حمایت کنند و این هدف اصلی جلسات و برنامه‌های ظرفیت‌سازی است.

ظرفیت‌سازی در وهله اول مبتنی بر مسائل قدرت‌یابی زنان، برابری جنسیتی و پایان دادن به خشونت علیه زنان است.

هدف این است که زنان برای برابری و ایجاد جامعه‌ای بدون خشونت به پاخیزند.

موضوعات برنامه‌ها و جلسات ظرفیت‌سازی: نگرش‌های مربوط به جنس و جنسیت، ازدواج بدون خشونت، انواع خشونت علیه زنان، شناسایی و پیش‌گیری از آزار جنسی کودکان، آگاهی‌های قانونی و حقوقی، امنیت زنان در فضاهای عمومی، فهمیدن مردسالاری و تبعات آن

-گروه‌های اعتباری و پس‌انداز

درآمد به همراه پس‌انداز کردن تنها راه حصول اطمینان از این است که زنان در دام چرخه بدهی به وام‌دهنده‌ها و نزول‌خورها نمی‌افتند. با توجه به این، موسسه دست‌ساخته‌های خلاق برنامه گروه‌های اعتباری و پس‌انداز را راه‌اندازی کرده‌اند.

بعد از ۶ ماه پرداخت به صورت پس‌انداز، زنان می‌توانند وام دریافت کنند. اعضا به این تشویق می‌شوند که برای اهداف آموزشی، مسائل درمانی فوری یا فعالیت‌های کارآفرینانه وام وام بگیرند. گروه‌های اعتباری و پس‌انداز توسط واحد مددکاری اجتماعی موسسه دست‌ساخته‌های خلاق مدیریت می‌شوند.

در حال حاضر ۱۲۰ گروه با ۱۵۰۰ زن در اجتماعات محلی از این برنامه بهره‌مند هستند.

۱۵۰۰ زن از گروه‌های اعتباری و پس‌انداز استفاده می‌کنند.

**منبع:**

<https://creativehandicrafts.org/social-impact>



-گروه‌های تعاونی تجارت عادلانه

بعد از آموزش، زنان به عنوان یک عضو به تعاونی اضافه می‌شوند. این گروه‌ها دست‌ساخته‌ها، لباس‌ها، اسباب و وسایل و اسباب‌بازی‌های نرم پارچه‌ای تولید می‌کنند. مدیریت هر تعاونی به عهده اعضای آن است.

هر تعاونی حساب بانکی و سیستم اداری خودش را دارد. نماینده منتخب گروه برای حصول اطمینان از انجام به موقع سفارش‌ها بر کار تولید نظرات دارد و آن را هدایت می‌کند. او حلقه اتصال بین تعاونی و دفتر مرکزی موسسه دست‌ساخته‌های خلاق نیز هست. دفتر مرکزی به تعاونی‌ها در تامین سفارش، بازاریابی و فروش محصول و مدیریت مالی کلی کمک می‌کند.

۱۳ تعاونی زنان، هر یک با حدود ۲۰ عضو

-امکان اشتغال منعطف

پروژه خانه برای فراهم کردن اشتغال پاره وقت برای زنانی که دارای مهارت هستند اما نمی‌توانند به تعاونی‌ها ملحق شوند شروع به کار کرده است.

حدود ۴۰۰ زن در کار گل‌دوزی و تکه‌دوزی مشغول فعالیت هستند. این زنان سالانه ۳ الی ۴ ماه همراه با موسسه دست‌ساخته‌های خلاق هستند. این اشتغال پاره‌وقت و در خانه به آن‌ها کمک می‌کنند تا ضمن آن که بتوانند کنار خانواده باشند، کمک‌هزینه‌ای هم برای خانوار فراهم شود.

۴۰۰ زن در اشتغال نیمه وقت

-پروژه اصلی فود (آشپزخانه غذای خانگی)

برای فراهم کردن فرصت اشتغال برای زنانی که از نظر موقعیت مالی نابرخوردار هستند و نمی‌توانند خیاطی کنند این پروژه راه‌اندازی شده است.

خدمات بسته‌های غذایی، مهمانی‌ها و کیت‌رینگ پذیرفته و امور به خوبی توسط این زنان و با قدرت و توانایی‌های خودشان اداره می‌شود. در حال حاضر



## بنگاه‌های اقتصادی خودگردان کارگران: درمانی برای سرمایه‌داری

نوشته کوین گاستاوسن  
برگردان از شمیم شرافت

این یادداشت از این نقطه نظر که ایده مهم و جالبی را مطرح می‌کند برای ترجمه انتخاب شد، ایده ریچارد ولف درباره «دموکراسی در محل کار» که به شکل مفصل در کتابی به همین نام شرح داده شده و ترجمه آن هم به وسیله نشر اختران منتشر شده است. ولف معتقد است بدون داشتن دموکراسی در محل کار و در واقع رعایت حقوق بشر در همه جا، ما قادر به رسیدن به دموکراسی در جامعه بزرگ‌تر نخواهیم بود.

اما نویسنده این یادداشت در خوش‌بینی‌ای غرق است که همه چیز را بسیار ساده‌تر از جهان واقعیت ترسیم کرده است. هنوز سوال‌های بی‌جواب بسیاری داریم. شاید بهتر باشد که با حرکت قدم به قدم از دل عمل پاسخ‌ها را خلق کنیم. برای هدف مطلوب دموکراسی در محل کار تلاش کنیم و در دل دموکراسی‌ای که از دل این تلاش‌های ما متولد خواهد شد قدم بعدی را برای رسیدن به جامعه‌ای آزادتر، انسانی‌تر و عادلانه‌تر تعریف کنیم.

«سوسیالیسم آشغال!» این جمله کنایه‌آمیز را وقتی شنیدم که در متروی واشنگتن ایستاده بودم و آخرین کتاب ریچارد ولف با نام «فهم سوسیالیسم» را می‌خواندم. من که سال‌ها این واکنش‌ها را از جنگنده‌های اینفووارز و ترنینگ پوینت شنیده بودم، خنده‌ام گرفت. گفتم: «فکر کنم بستگی داره چطور تعریفش کنی...»، سعی کردم همان تکنیک‌های مباحثه‌ای که ولف در مقاله‌ای که در دست‌انم آویزان بود استفاده می‌کند را به کار بگیرم.

طی بحث مشخص شد که به این آدم قرص‌های ضدکمونیزم خورنده‌اند و همان استدلال‌های چرند پدر مادرهای نسل انفجار و امثال‌شان را بلغور می‌کند. با خودم فکر می‌کنم، «خیلی خب بومر!»، اما هم‌صحبت من زنی بود که بیش از ۳۰ سال نداشت.

در زمانه‌ای که اکثر جوانان نگاه منفی به سرمایه‌داری و دیدگاه مثبت‌تری به سوسیالیسم دارند، شنیدن این مخالفت از یک جوان نسل هزاره برایم جالب بود. با خودم فکر کردم یک نسخه از «فهم سوسیالیسم» را هم به او قرض بدهم، اما ترسیدم به محض گرفتنش، آن را نثار اولین سطل زباله آن نزدیکی‌ها کند. با این حال، پاسخ به سوال به نظر ساده «سوسیالیسم چیست؟» هم خیلی



ولف گاهی با یادآوری شبخ مارکس و انگلس که اروپا را تسخیر کرده است، سوسیالیسم را به عنوان سایه سرمایه‌داری تعریف می‌کند که آن را هر جا که ممکن است پرسه بزند، به طرز هولناکی دنبال می‌کند. ولف برخلاف بسیاری از چپ‌های خالص، نگاه وسیع‌تری به سوسیالیسم دارد و «سوسیالیسم‌های» بسیاری را توصیف می‌کند.

راحت نیست. نکته برجسته این کتاب روش مختصر و روشنی است که ولف از طریق آن سعی می‌کند این کار را انجام دهد.

وقتی نوبت به تعریف سوسیالیسم می‌رسد، به اندازه طرفدارانش تعریف وجود دارد. لغت‌نامه هم هیچ تعریف مفیدی ارائه نمی‌کند. ولف که یک فصل کامل از «فهم سوسیالیسم» را به تعریف این کلمه اختصاص داده است، همان ابتدای کار، یکی از گسترده‌ترین تعاریفی که از سوسیالیسم شنیده‌ام را ارائه می‌کند. سوسیالیسم یک اشتیاق است، اشتیاق به چیزی بهتر از وضع موجود، بهتر از سرمایه‌داری. ولف گاهی با یادآوری شبخ مارکس و انگلس که اروپا را تسخیر کرده است، سوسیالیسم را به عنوان سایه سرمایه‌داری تعریف می‌کند که آن را هر جا که ممکن است پرسه بزند، به طرز هولناکی دنبال می‌کند. ولف برخلاف بسیاری از چپ‌های خالص، نگاه وسیع‌تری به سوسیالیسم دارد و «سوسیالیسم‌های» بسیاری را توصیف می‌کند.

مثلا سوسیالیسم اولیه‌ای هست که چشم‌اندازهای آرمانشهری‌اش به دنبال حفظ ایده‌آل‌گرایی فلسفی و روزمره است و در مراحل نخست انقلاب صنعتی پایه‌ریزی می‌شود. یک سوسیالیسم دولتی داریم، که در آن دولت مالک و اداره‌کننده بنگاه‌های اقتصادی است و در دوران رشد اقتصادی قرن بیستم به

# UNDERSTANDING SOCIALISM

RICHARD D. WOLFF



سرمایه‌داری شیوه تولید است. می‌توان شیوه تولید را با پاسخ به سوالات ساده تعریف کرد: چه کسی مالک و کنترل کننده است؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد چه چیزی تولید شود، چگونه تولید شود و با سود آن چه باید کرد؟ و چه کسی نیروی کار را مصرف می‌کند؟

شود و با سود آن چه باید کرد؟ و چه کسی نیروی کار را مصرف می‌کند؟

شما می‌توانید در هر دوره تاریخی پاسخی به این سوالات بدهید. در دوران باستان، بردگان تولید می‌کردند، شهروندان مالک آن

بودند و تصمیم می‌گرفتند با درآمد حاصل از تولید کجا، چگونه و چه کاری انجام دهند. در جوامع فئودالی، رعیت کار می‌کرد و این ارباب بود که تصمیم می‌گرفت و درآمد را به جیب می‌زد. در جوامع سرمایه‌داری، کارگران ابزار تولید را به کار می‌گیرند، اما مالکان تصمیم می‌گیرند و سود می‌برند. در این جوامع طبقاتی، که طبقه صرفاً با ابزار تولید تعریف می‌شود، بقیه افراد جامعه، هنجارها، آداب، قوانین، قواعد و تعاملات بین فردی، همه بر اساس تقسیمات پایه‌ای جامعه پیش‌بینی شده‌اند.

اما قرار است جامعه سوسیالیستی متفاوت باشد. جامعه‌ای که تقسیم طبقاتی دیگر شالوده جامعه نیست، بلکه برعکس جامعه بر اساس برابری اساسی افراد بنا شده است. همه هم کارگر و هم صاحب بنگاه‌های مربوطه‌اند و همه هنجارها، آداب و رسوم، قوانین و روابط بین فردی از این پایگاه سرچشمه می‌گیرد.

اما برگردیم به اتحاد جماهیر شوروی، بعد از انقلاب اکتبر، شالوده جدید جامعه‌ی سوسیالیستی که آن‌ها قصد ایجادش را داشتند، به صورت شوروی یا شورای کارگری بود، که شامل ارگان‌هایی می‌شد که توسط رده‌های مختلف انتخاب می‌شدند تا در اداره بنگاه‌ها و مشارکت در سیاست‌های محلی نقش داشته باشند. اما درگیری زودهنگام با دشمنان ضدکمونیست که توسط ایالات متحده، انگلیس، آلمان، ژاپن و دیگران پشتیبانی می‌شدند، به معنای ضرورت اقتصاد جنگی بود و نظم نظامی برای مبارزه در جنگ لازم بود. این سیستمی است که چنانچه ولف به ما یادآوری می‌کند، لنین با عنوان سرمایه‌داری دولتی نام

عنوان محرک در اقتصادهای عقب‌مانده آن زمان، یعنی روسیه، چین، کوبا و دیگر جاها حضور داشت. چیزی که ولف در تایید تونی کلیف و دیگران به عنوان سرمایه‌داری دولتی از آن نام می‌برد.

همین‌طور سوسیالیسم پارلمانی یا سوسیال دموکراسی هم داریم که از ایده‌های سوسیالیستی استفاده می‌کند تا بازارها و اقتصاد را مدیریت کرده و مکانیسمی ایجاد کند که طی آن ثروتی که هنوز در مالکیت خصوصی است به نیروهای تولیدی منتقل شود. همه این‌ها و موارد دیگر از سنت انتقادی سوسیالیسم از سرمایه‌داری ناشی می‌شود، اما راه‌حل‌های پیشنهادی هرکدام متفاوت است.

## تهدید سرخ

برای اکثر کسانی که عینک قرمز به چشم ندارند، سوسیالیسم با اتحاد جماهیر شوروی و میزان کمتری جمهوری خلق چین، با رژه‌های بزرگ روز اول ماه مه‌اش، پرچم‌های قرمز، مجمع‌الجزایر گولاگ، اساسنامه‌ها و مجسمه‌های نیم‌تنه رهبران فعلی و پیشین و در نهایت شکست تعریف می‌شود. ولف در فصل ضدکمونیسم، با جزئیات توضیح می‌دهد که چگونه دو نسل از مردم در معرض تبلیغات گسترده و مهندسی اجتماعی قرار گرفتند، به طوری که سیاست اتحاد جماهیر شوروی، از جمله سرکوب حقوق سیاسی، مترادف با سوسیالیسم شد، حتی با وجود یک بخش کامل از سوسیالیست‌هایی که انتقادات مارکسیستی خود از پروژه شوروی و سیاست‌های آن را حفظ کردند.

هم‌قطار من در مترو تجسم موفقیت این کمپین تبلیغاتی است. اما فقط ایالات متحده نبود که در جهان پیوند سوسیالیسم و اتحاد جماهیر شوروی را تبلیغ می‌کرد، بلکه خود اتحاد جماهیر تحت سلطه استالین هم بود. اما این سوال ایجاد می‌شود، آیا واقعا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیست بود؟

برای برخی سوسیالیست‌ها جواب قطعا مثبت است. شوروی صاحبان وسایل تولید در روسیه، اعم از تزاری و خصوصی را مصادره کرد. آن‌ها صنعت را ملی کردند، فعالیت بازارها را محدود کردند و برنامه‌ریزی اقتصاد را مطابق با برنامه گوسپلان شروع کردند. همه این‌ها برای آنان شواهد کافی پروژه سوسیالیستی شوروی است. اما ولف با این نظر مخالف است.

اگر سوسیالیسم را نقد سرمایه‌داری یا سایه آن بدانیم، باید بدانیم سرمایه‌داری چیست. برای یک آمریکایی معمولی، تعریف سرمایه‌داری به چیزی مثل بازارهای آزاد، بنگاه‌های اقتصادی آزاد و یا هلدینگ مشاغل خصوصی خلاصه می‌شود. در بحث‌های اخیر مانک، مخالفان پروفیسور ولف به سادگی استدلال کردند که سرمایه‌داری برابر با بازار است، اما خود این سوءبرداشتی جدی از سرمایه‌داری است و بی‌تردید به سوءبرداشت از سوسیالیسم هم منجر می‌شود.

سرمایه‌داری بازار نیست. بازارها قبل از سرمایه‌داری هم وجود داشتند و بعد از آن هم همچنان وجود خواهند داشت. بازارها می‌توانند ابزارهای کارآمدی برای توزیع باشند، اما کمی بیشتر. در عوض سرمایه‌داری شیوه تولید است. می‌توان شیوه تولید را با پاسخ به سوالات ساده تعریف کرد: چه کسی مالک و کنترل کننده است؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد چه چیزی تولید شود، چگونه تولید





## بنگاه‌های خودگردان کارگران

طی قرون ۱۹ و ۲۰، منازعات بین سوسیالیست‌هایی که دیگر توده‌های یکپارچه نبودند، در مورد نقش دولت، خواه نیاز به مالکیت و کنترل مشاغل باشد یا فقط سیستم مالیاتی مترقی را تامین کند، بی‌وقفه ادامه داشت. با این حال سوال واقعی درباره نقش دولت (با وجود اهمیتش) نیست، بلکه نقش دموکراسی و نهادهای دموکراتیک است. انقلاب‌های بورژوازی در اواخر قرن ۱۸ و میانه قرن ۱۹، نویدبخش آزادی، برابری و برادری بودند، اما نتوانستند هیچ‌یک از اینها را به طور کامل تحقق ببخشند. این شکست است که به سوسیالیست‌هایی که می‌خواهند وعده‌های بورژوازی را به واقعیت کل جهان تبدیل کنند، انرژی بخشیده است.

جیلاس در کتاب خود با عنوان طبقه جدید استدلال می‌کند که اتحاد جماهیر شوروی، چین و هر کشور «کمونیستی» دیگر، در واقع فقط سرمایه‌داری دولتی ایجاد کرده است. در حالی که در غرب مشاغل در دست اشخاص خصوصی باقی مانده است که کارگران را استخدام کرده و ارزش اضافی حاصل از دستمزد را از آن خود می‌کنند، در کشورهای «کمونیستی» دولت، به سادگی نقش سرمایه‌دار را ایفا می‌کند.

نهاد. جایی که دولت بنگاه‌های اقتصادی را به دست گرفته بود، اما نمی‌توانست مالکیت و کنترل را به طبقه کارگر منتقل کند. از نظر لنین، اتحاد جماهیر شوروی در راه دستیابی به سوسیالیسم بود، اما هنوز به آنجا نرسیده بود.

استالین از این وضعیت راضی نبود. وقتی اعلام شد که به جای سرمایه‌داری دولتی، اتحادیه جماهیر شوروی دولت سوسیالیستی است، مردم نزدیک یک دهه محرومیت و جنگ را تحمل کرده بودند. طی این سال‌ها، بخش‌های استالینیستی حزب کمونیست، درگیر دوستان سابق و دشمنان امروز حزب، تنها ارگان سیاسی با قدرت سیاسی اتحادیه جماهیر شوروی بودند. سیستم اردوگاه زندان برای اسکان مجرمان سیاسی ایجاد شد، ضمن اینکه دیگر آزادی‌ها همچون آزادی مطبوعات و اجتماعات محدود شده بود. این وضعیت بر اساس تبلیغات شوروی و ایالات متحده سوسیالیسم نامیده شد. اما برای تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا واقعیت چنین بوده است یا خیر، نباید به دنبال پایه طبقاتی تولید در شوروی بود.

ولف در بخش‌های انتهایی فهم سوسیالیسم به انتقادات میلوآن جیلاس رهبر سوسیالیست یوگوسلاوی تبعیدی به سوسیالیسم قرن بیستمی اشاره می‌کند. جیلاس در کتاب خود با عنوان طبقه جدید استدلال می‌کند که اتحاد جماهیر شوروی، چین و هر کشور «کمونیستی» دیگر، در واقع فقط سرمایه‌داری دولتی ایجاد کرده است. در حالی که در غرب مشاغل در دست اشخاص خصوصی باقی مانده است که کارگران را استخدام کرده و ارزش اضافی حاصل از دستمزد را از آن خود می‌کنند، در کشورهای «کمونیستی» دولت، به سادگی نقش سرمایه‌دار را ایفا می‌کند.

شما در هیچ کجای اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری خلق چین، ویتنام، کوبا و غیره کل اقتصاد را متشکل از کارگران مستقلی که صاحبان و کنترل‌کنندگان مشاغل خود هستند نمی‌بینید. در عوض، شاهد کنترل دولت بر بنگاه‌های اقتصادی با استفاده از روش‌های ضددموکراتیک نافی حقوق بشر هستید، دقیقاً همان کاری که مالکان خصوصی در دیگر نقاط جهان می‌کنند.

حتما به یک سوسیالیست نیاز نداریم تا تشخیص دهد زندگی روزمره ما با مفاهیم و فعالیت‌های دموکراتیک عجین نیست. همه ما در پایان روز می‌دانیم که محل‌های کار ما دیکتاتوری‌هایی است که شخص یا گروه‌هایی از افراد خاصی که معمولا از فرآیند واقعی کار بنگاه جدا شده‌اند، با مشت آهنین آن را اداره می‌کنند. اگر از حد و حدود خودتان خارج شوید تنبیه شما، از دست دادن کارتان است، که حقوق شما را برای به دست آوردن ضروریات زندگی فراهم می‌کند. در کار نقصان دموکراسی وجود دارد و این نقصان به قانونگذاران محلی، ملی و حتی بین‌المللی نیز تسری می‌یابد.

برای سوسیالیست‌های قرن بیست و یک، نقش و جایگاه دموکراسی پرسشی اساسی است که باید به آن پاسخ دهند. اگر پایگاه جامعه اساسا غیردموکراتیک باشد، فایده دولت چیست؟ آیا حتی می‌شود دولت را به دست گرفت و بدون دموکراتیزه کردن بنگاه‌ها، سوسیالیسم ساخت؟ این‌ها همه انواع سوالاتی هستند که امروز سوسیالیست‌ها با آن مواجه می‌شوند. برای بسیاری، از جمله ولف، پاسخ در بنگاه‌های دموکراتیک، کارگری و عملیاتی است. این بنگاه‌های اقتصادی خودگردان از نظر ولف درمان سرمایه‌داری‌اند.

ولف با هجوم به یک سنت دیرینه، در پایان فهم سوسیالیسم استدلال می‌کند که عمل واقعی آماده‌سازی برای سوسیالیسم بین‌المللی گسترده، سوسیالیسم محلی، یا حتی کمی فراتر از آن است. بنگاه‌های اقتصادی خودگردان کارگران، هرکدام به شیوه خود، نمونه‌هایی از تولید سوسیالیستی در کوچکترین مقیاس هستند. درس‌ها و تجربیات کارگران این بنگاه‌های اقتصادی خودگردان، همان مواردی است که باید در برنامه انقلابی بزرگتر گنجانده شود.

در این دیدگاه، سوسیالیسم مثل هر سیستم اقتصادی جدیدی که می‌آید، ظهور خواهد کرد، با خودسازماندهی طبقه زحمتکش به واحدهایی که مثالی برای آینده هستند و مستقیما با بنگاه‌های سنتی دوره تاریخی خود در رقابتند. به این معنا که بنگاه‌های اقتصادی خودگردان قادر به ساخت و پایداری هستند و وقتی با بنگاه‌های استاندارد سرمایه‌داری رقابت کنند، پیروز می‌شوند.



وعده‌های سوسیالیسم قرن بیستم خیلی زود در خون سیاست غرق شد و اظهارات ضدکمونیستی فاشیسم و مکارتیسم عقاید سوسیالیستی را تحریف کرده و به حاشیه جامعه آمریکایی کشاند. قرن جدیدی طلوع کرده است، اما همان چالش‌های سرمایه‌داری یعنی استثمار، بی‌ثباتی، نابرابری و ویرانی محیط زیست، همچنان پابرجا مانده و آینده جهان را به مخاطره انداخته است.

وقتی این سوسیالیسم جدید رشد کند، در برابر تبلیغات قرن بیستم قرار می‌گیرد، می‌تواند وعده تحقق‌یافته آزادی واقعی، برابری واقعی و برادری واقعی را به تمام جهان ارائه دهد. کتاب ولف بخشی از آن پروژه باشکوه است.

منبع:

<https://b2n.ir/056252>



### قرن جدید سوسیالیسم

پروفیسور ولف در دوره فهم سوسیالیسم، روشن می‌کند که سوسیالیسم یکپارچه نیست، یک چیز نیست. بلکه یک سنت، شیوه تفکر و آرزوی چیزی بهتر از سرمایه‌داری است. سوسیالیسم نسخه‌های بسیاری به اندازه سوسیالیست‌ها داشته است، اما همه آن‌ها در مجموع، انتقاد مشترکی از سیستمی دارند که با اندیشه‌های آزادی، برابری و برادری در جهان بسته‌بندی شده، اما به سرعت آرمان‌های آرمانشهری‌اش فروریخت و در حاکمیت دیکتاتوری طبقه مالک تحت پوشش «دموکراسی» مدیریت شده است.

وعده‌های سوسیالیسم قرن بیستم خیلی زود در خون سیاست غرق شد و اظهارات ضدکمونیستی فاشیسم و مکارتیسم عقاید سوسیالیستی را تحریف کرده و به حاشیه جامعه آمریکایی کشاند. قرن جدیدی طلوع کرده است، اما همان چالش‌های سرمایه‌داری یعنی استثمار، بی‌ثباتی، نابرابری و ویرانی محیط زیست، همچنان پابرجا مانده و آینده جهان را به مخاطره انداخته است.

اما پس از رکود اقتصادی سال ۲۰۰۸، اشغال وال استریت و کمپین موفق برنی سندرز، نسخه جدیدی از سوسیالیسم امکان‌پذیر شده و در خود جنبش کارگری و اکوسیستم اقتصادی مشارکتی ریشه دوانده است.

این سوسیالیسم قرن بیست و یکمی به ما سوسیالیست‌ها این امکان را می‌دهد که گلیم‌مان را از آب بیرون بکشیم و کارگران را به گونه‌ای سازمان دهیم که بتوانند به جهانیان نشان دهند که توانایی، آمادگی و تمایل به داشتن و کنترل ابزار تولید خود را دارند. این سوسیالیسم جدید غرق در اندیشه‌ها و سنت‌های دموکراتیک خواهد بود و کسری آزمایش‌های قرن بیستم سوسیالیسم را تجربه نخواهد کرد.





برگردان از سیده زینب صالحی

«مادرهای دنیا»<sup>۱۵</sup> در سال ۲۰۰۳ به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی با هدف تغییر زندگی زنان کارآفرین در غنا، از راه کمک به آنها برای گسترش کسب و کارشان بنیان گذاشته شد. پیش از آن تحت عنوان اصلی «زنان در حال رشد»، به باتکرها<sup>۱۶</sup> و خیاطان در منطقه کیپ کوست<sup>۱۷</sup>، پیشنهاد مشاوره فردی در زمینه اداره کسب و کار و مدیریت مالی آن داده شد؛ اما شش نفر از این خانمها هنگام مواجهه با این پیشنهاد بیان کردند که «اگر شما به ما در پیدا کردن بازارهای جدید برای محصولات نساجی مان کمک نکنید، ما به کمک شما در مدیریت کسب و کارمان نیاز نخواهیم داشت. چون در آن صورت کسب و کاری باقی نمی ماند که نیاز به مدیریت داشته باشد!» با این جرعه، در ادامه شش کسب و کار کوچکی که این زنان مالک یا اداره کننده اش بودند، با نام مادرهای دنیا، به منظور تولید

و صادرات محصولات نساجی تحت عنوان یک برند مشترک دور هم جمع شدند.

### کامیابی برای زنان

تامین درآمد به صورت پایدار، برای زنانی که نیروی محرکه فعالیت های ما بودند فرصت های بسیاری به وجود آورد. مادرهای دنیا متعهد شد که به صورت منظم و ماهانه، سفارشات را به زیرمجموعه هایش

البته تعریف ما از کامیابی علاوه بر تامین یک منبع پایدار درآمد، شامل توانگری، ثروت، سلامت و حتی «شادی» هم می شود.

که با عنوان «مادرها» شناخته می شوند، ارائه کند و مطمئن شود هر کسب و کار کوچکی، به طور عادلانه و به موقع، برای کیفیت بالای کارش دستمزد می گیرد. البته تعریف ما از کامیابی علاوه بر تامین یک منبع پایدار درآمد، شامل توانگری، ثروت، سلامت و حتی «شادی» هم می شود. به همین دلیل از طریق برنامه ریزی و پیشنهاد آموزش های عملی در حوزه های مهارت های فنی پیشرفته، بهبود کیفیت و طراحی خلاقانه، زمینه رشد مادرها را در هر دو زمینه شخصی و حرفه های فراهم می کنیم. فرصت های توسعه حرفه ای در زمینه های رهبری کسب و کار، مدیریت مالی، بازاریابی و تجارت به آنها کمک می کند تا کسب و کارهای در حال رشد و امور مالی شخصی شان را، به طور موثری مدیریت کنند، در حالی که کارگاه های آموزشی درباره سلامت و تندرستی، باعث ارتقای سطح فیزیکی زندگی و سلامتشان می شود. ما به لطف وقت و استعدادی که بیش از ۴۰۰ نفر نیروی داوطلب مان از سال ۲۰۰۳ با سفر به غنا و کار کردن همراه ما، سخاوتمندانه در اختیارمان گذاشتند؛ قادر به انجام این فعالیت های قابل توجه و متمرکز ظرفیت ساز شدیم.

### صنایع دستی ما

گروه اصلی مادرها تحت نظر دفتر مرکزی ما در شهر کیپ کوست، مجموعه ای محدود و گزینش شده از پوشاک و اکسسوری های چاپ باتیک تولید می کرد اما







کاری که شروع کردیم هرگز ساده نبوده و مطمئناً در مسیر آن لحظات شکست خوردگی هم وجود داشته است، اما چیزی که ما را دور هم نگاه داشت این بود که از همان ابتدا ما به ایجاد سازمانی پایدار در طولانی مدت متعهد شدیم و همواره تمام تصمیم‌ها را با مد نظر قرار دادن این تعهد گرفته‌ایم.

آنکه بتوانیم مطمئن باشیم در این زمینه فراتر از انتظارات مشتری‌هایمان ظاهر می‌شویم، باید انرژی و منابع بسیار زیادی را در این راه سرمایه‌گذاری کنیم. در انتها اینکه در این سازمان ما عشق و اشتیاق‌مان را با هم به اشتراک می‌گذاریم و به کاری که انجام می‌دهیم عشق می‌ورزیم.

**منبع:**

<https://www.globalmamas.org/Info/history>

<https://www.globalmamas.org/Info/FairTrade>

امروزه کاتالوگ‌های ما به قدری رشد کرده است که صدها محصول تولید شده در شش محل متفاوت در سرتاسر کشور غنا را در بر می‌گیرد. علاوه بر محصولات منحصربه‌فرد چاپ دستی باتیک روی پارچه، ما سعی کردیم محدوده کاری خود را گسترش دهیم تا جایی که اکنون صنعتگرانی که در تولید مهره‌های شیشه‌ای بازیافتی و همچنین در صنعت کره گرفته‌شده از درخت شی کار می‌کنند را نیز شامل می‌شود. کاری که در ابتدا با ارسال چند چمدان از محصولات تولیدی به آن سوی اقیانوس در هر سال آغاز شد، اکنون به جایی رسیده است که ماهانه چهار تا شش پالت پر از محصول را برای توزیع به دفتر ما در آمریکای شمالی ارسال می‌کند. اگرچه در رابطه با تولید محصولات ما هنوز گروه‌های خانگی را پیشنهاد می‌دهیم، اما باید قبل از هر چیز قادر به فروش محصولاتمان نیز باشیم. به این منظور ما اکنون افتخار همکاری با بیش از چهارصد فروشگاه در سرتاسر جهان را داریم که به ما در توزیع محصولاتمان کمک می‌کنند.

از همان ابتدای کار، ما فعالیت‌هایمان را بر مبنای اصول تجارت عادلانه پیش می‌بردیم. با این حال نمی‌دانستیم این موضوع در مقیاس جهانی مطرح است و چنین نامی برای آن به کار برده می‌شود تا اینکه یکی از نیروهای داوطلب‌مان در سال ۲۰۰۵ به ما پیشنهاد ملحق شدن به سازمان جهانی تجارت عادلانه را داد. حالا ما به تایید شدن از سوی این سازمان و همچنین فعالیت به عنوانی عضو ضمانت شده در آن مفتخریم.

خیلی از مردم از ما راز موفق شدنمان را می‌پرسند. حقیقت این است که تعداد بسیار زیادی از افراد، ایده‌ها و قدم‌های کوچک کنار هم جمع شده‌اند تا این امر ممکن شود. کاری که شروع کردیم هرگز ساده نبوده و مطمئناً در مسیر آن لحظات شکست خوردگی هم وجود داشته است، اما چیزی که ما را دور هم نگاه داشت این بود که از همان ابتدا ما به ایجاد سازمانی پایدار در طولانی مدت متعهد شدیم و همواره تمام تصمیم‌ها را با مد نظر قرار دادن این تعهد گرفته‌ایم. ما باور داریم کیفیت محصولات موضوعی بسیار مهم و حساس است و برای



## نقش ما به عنوان کارآفرین اجتماعی در صنعت فناوری اطلاعات - فر فون

میکل (بنیانگذار و راهبر بخش نوآوری مدور)

برگردان از گیتا صالحی

فر فون شرکتی است که گوشی‌های موبایل متفاوتی عرضه کرده است. طراحی گوشی‌های این شرکت ماژولار بوده و کل دستگاه به آسانی قابل تعمیر است. در تولید این موبایل‌ها سعی شده از مواد بازیافتی استفاده شود و حقوق کارگران در زنجیره تولید رعایت شود. این متن از زبان میکل که یکی از بنیان‌گذاران شرکت است در سال ۲۰۱۳ و درباره کنفرانس «فناوری اطلاعات (آی تی) مسئولانه» نوشته شده است. این کنفرانس در شهر روستوک آلمان برگزار شد و میکل، به نمایندگی از فر فون در آن شرکت کرد. برخی نکات طرح شده در این یادداشت در شناخت فر فون به ما کمک می‌کنند.

همچنان که این متن را در قطاری از شهر روستوک به هامبورگ می‌نویسم، تی‌شرت من هنوز از باران بی‌نظیری که در روز برگزاری کنفرانس «خرید مسئولانه فناوری اطلاعات» بارید خیس است. در طرح بزرگ فناوری اطلاعات، به خصوص صنعت موبایل (گوشی همراه)، برای من بسیار مهم است که درباره موقعیت فر فون، به عنوان یک بازیکن کوچک، تأمل کنم. ما تنها یک استارت‌آپ هستیم، با ۸ نفر که کمی کودکانه تصمیم گرفتند با کمک گرفتن از بهترین شیوه‌های موجود در این زمینه، در جهت تولید گوشی‌های عادلانه‌تر حرکت کنند. به دلیل کوچک بودنمان، نقش ما در این کنفرانس این بود که وارد بحث و گفت‌وگوهای مفید درباره فناوری اطلاعات مسئولانه شویم.

می‌خواهم در این یادداشت به طور خلاصه درباره افرادی که در این کنفرانس ملاقات کردم و از دانش ارزشمندی که آنها با من در میان گذاشتند بگویم و چشم‌انداز خودم از نقش کارآفرینی اجتماعی در فناوری اطلاعات را شرح دهم.

من دانش و آگاهی زیادی از سازمان‌های مردم‌نهاد، کارمندان بخش تدارکات عمومی و سایر سازمان‌ها مانند نیکلاس رایدل (از سازمان توسعه‌ی TCO)، کلاوس-پیتر تیدکه (مرجع تدارکات فدرال) و سازمان تولیدکننده فر موس (Fair Mouse) برای کامپیوتر به دست آوردم. این افراد چیزهای زیادی به من یاد دادند، از جمله معیارهای جدید در صدور گواهی‌نامه برای گوشی‌های هوشمند، چالش‌های بخش عمومی در یافتن منابع مسئولانه بیشتر، و ابزاری که به

موسسات محلی کمک می‌کند تا معیارهای درست را تنظیم کنند و در آخر، یافتن منابع، منشأ مواد و شرایط اجتماعی در عرضه زنجیره تولید یک موس کامپیوتر از طرف دوستان، سوزان، در سازمان فر موس در ناگر آی تی (Nager IT).

نقش کارآفرینی اجتماعی در فناوری اطلاعات

صحبت‌های من بیشتر به نقش کارآفرینی‌های اجتماعی در ایجاد مسیر دستیابی به فناوری اطلاعات مسئولانه، در مقایسه با نقش گروه‌های مدافع، شرکت‌ها، بخش دولتی و مصرف‌کنندگان ارتباط داشت. کارآفرینی‌های اجتماعی قدرت این را دارند که تبدیل به مکانی برای آزمایش نقش خود در تلاقی بین عرصه فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی شوند.

در فر فون ما خلاقانه، باز، همراه با هم و مثبت عمل می‌کنیم. ما اینجا نیستیم تا در این صنعت شکاف ایجاد کنیم بلکه می‌خواهیم چیزی به آن اضافه کنیم و بخش‌های مختلف را کنار هم قرار دهیم.

ما محصولی داریم که تلاش سازمان‌های مختلف که به ما در این زمینه کمک می‌کنند را قابل لمس و محسوس می‌کند. بنابراین، این یک تلاش مبتنی بر همکاری است. کارآفرینی اجتماعی، موانع را از بین می‌برد، اطلاعات و کار را تقسیم می‌کند و نهایتاً چشم‌انداز جدید فراهم می‌کند. به عنوان مثال، قرار ندادن شارژر به همراه گوشی‌های فر فون و امکان استفاده از شارژرهای دیگر، یا تسهیل استفاده از سیستم عامل‌های مختلف، از جمله کارهای ما بوده‌اند. تا اینجا که نتیجه این کارها هم خوب بوده است و ما فروتنانه امیدواریم که این رویکرد بتواند مرجعی برای سایرین باشد.

گواهی‌نامه؟ شفافیت؟

با اینکه ما بسیار قدردان کارهای بسیار خوبی که تا کنون توسط آژانس‌های صدور گواهی‌نامه انجام شده، هستیم که این صنعت را قدم به قدم به سوی افزایش اصول منصفانه سوق می‌دهند، اما در عین حال محدودیت‌های آنها



کارآفرینی‌های اجتماعی قدرت این را دارند که تبدیل به مکانی برای آزمایش نقش خود در تلاقی بین عرصه فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی شوند.

به بازسازی امثال فر فون نیاز دارد تا بتواند به یک فناوری اطلاعات مسئولانه و عادلانه حقیقی دست یابد و در آن زمان لازم خواهد بود که شاخص‌ها بالا و بالاتر بروند. و ما تنها درباره تامین منابع و مواد اولیه صحبت نمی‌کنیم، ما تلاش می‌کنیم تا شاخص‌های عادلانه‌ای که شامل مشتریان و هر کسی که به طور کلی در زنجیره تولید گوشی‌های همراه دخیل است، در نظر بگیریم. در واقع، ما یک نقشه مرجع طراحی کرده‌ایم که شامل همه اطلاعاتی است که امروز داریم و از تمام ذی‌نفعان دعوت می‌کنیم تا این نقشه را کامل‌تر کنند. خبرهای بیشتری در راه است.

و ما تنها درباره تامین منابع و مواد اولیه صحبت نمی‌کنیم، ما تلاش می‌کنیم تا شاخص‌های عادلانه‌ای که شامل مشتریان و هر کسی که به طور کلی در زنجیره تولید گوشی‌های همراه دخیل است، در نظر بگیریم.

در حالی که از طریق اخبار و شبکه‌های اجتماعی بحث و گفتگو در میان عموم مردم را دنبال می‌کردم، متوجه شدم که مباحث درباره آنچه عادلانه است، پویا و خوب است.

پروژه ما گاهی با «تجارت عادلانه» اشتباه گرفته می‌شود و توسط دیگران به عنوان اینکه ۱۰۰٪ عادلانه است تبلیغ می‌شود. گاهی شنیدن این حرف برایم خسته‌کننده است، چرا که ما سعی می‌کنیم در ارسال پیام خود منسجم باشیم و مشخص کنیم که رسیدن به تجارت کاملاً عادلانه و آنچه ما برای انجامش برنامه‌ریزی کرده‌ایم، عملی بسیار بزرگ است و زمان زیادی خواهد برد تا به آن برسیم. اولین محصول ما تازه در شروع راه است، یک قدم در جهت رسیدن به چشم‌اندازمان. اما اهداف ما و انگیزه‌های ما آن چیزی است که داستان ما را متفاوت می‌کند.

#### منبع:

<https://www.fairphone.com/en/2013/06/20/our-role-as-a-social-enterprise-in-the-industry>



را نیز می‌بینیم. ما به عنوان کارآفرین اجتماعی، موقعیت متفاوتی داریم چرا که به عنوان بخشی از این صنعت ما می‌توانیم در تقاضای آنچه قابل مطالبه است، و آنچه که شرکت‌ها می‌توانند به آن دست یابند، از آژانس‌های صدور گواهینامه حمایت کنیم. یا در

واقع تفاوت ما و آژانس‌هایی که گواهینامه صادر می‌کنند در این است که آنها باید با این صنعت در یک هارمونی باشند و معیارها را طوری تنظیم کنند که پاسخگوی آنچه در زمان مشخصی امکان‌پذیر است باشند؛ آنها نمی‌توانند شاخص‌ها را به خاطر ترس از دست دادن برندها خیلی بالا ببرند اما می‌توانند تا جایی که آنها را به سمت فناوری اطلاعات مسئولانه سوق می‌دهد حرکت کنند.

واقع تفاوت ما و آژانس‌هایی که گواهینامه صادر می‌کنند در این است که آنها باید با این صنعت در یک هارمونی باشند و معیارها را طوری تنظیم کنند که پاسخگوی آنچه در زمان مشخصی امکان‌پذیر است باشند؛ آنها نمی‌توانند شاخص‌ها را به خاطر ترس از دست دادن برندها خیلی بالا ببرند اما می‌توانند تا جایی که آنها را به سمت فناوری اطلاعات مسئولانه سوق می‌دهد حرکت کنند.

از آنجایی که فر فون هم به نوعی یک رسالت است و هم یک محصول، قصد دارد تا به سطحی از شفافیت و مسئولیت برسد که فراتر از ظرفیت بسیاری از همکارانی است که تا به امروز کار کرده‌اند. چشم‌انداز ما از انصاف و عدالت در فر فون فراتر از مسئله تامین منابع و شرایط اجتماعی است.



# سه شرکت سرمایه گذاری اجتماعی، تغییرات اساسی و انقلابی را در مد پایدار ایجاد کردند

برگردان از مائده افشردل



TutumluAnne علاوه بر اینکه یک جایگزین و پیشنهاد برای مصرف پایدار و ارائه زندگی دوم به لباس کودکان است، به خانواده‌ها این امکان را می‌دهد که با فروش لباسی که دیگر از آن استفاده نمی‌کنند، پول اضافی به دست آورند.

Green، محصولاتی باکیفیت و سازگار با محیط زیست هستند. آن‌ها از ترکیبی از مواد خام بازیافتی ساخته شده‌اند که اساسا پسماندهای صنعتی و بطری‌های پلاستیکی هستند که از اقیانوس‌ها برداشته شده‌اند. «صرفه‌جویی در آب، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف در صنعت مد است که در این مرکز نیز به آن توجه شده است: «ما حدود ۲۵۰۰ لیتر آب در هر محصول، بدون مواد شیمیایی، آفت‌کش‌ها و رنگ صرفه‌جویی می‌کنیم.»

## شرکت TutumluAnne<sup>20</sup> (ترکیه)

TutumluAnne بزرگترین بازار فروش مجدد لباس کودکان در ترکیه است. این پلتفرم که به طور متوسط ۱/۳ میلیون بازدید ماهانه دارد، راه‌حلی برای مشکلی که بسیاری از خانواده‌ها با آن روبرو هستند ارائه می‌دهد: خرید لباس برای کودکانی که رشد آنها سریع است.

TutumluAnne علاوه بر اینکه یک جایگزین و پیشنهاد برای مصرف پایدار و ارائه زندگی دوم به لباس کودکان است، به خانواده‌ها این امکان را می‌دهد که با فروش لباسی که دیگر از آن استفاده نمی‌کنند، پول اضافی به دست آورند. این شرکت همچنان در حال حرکت رو به جلو است و برای ارتقا دادن گزینه‌های پرداخت و حمل و نقل و رویه‌های کنترل کیفیت محصول خود تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل شود که همه آیت‌ها شرایط خوبی پیش از ارسال دارند. همین

۲۰ مادر صرفه‌جو. مادران را برای به اشتراک گذاشتن کالاها، دانش و تجربه از طریق خرید، فروش و اهدا از طریق یک سیستم مشترک اقتصادی به هم متصل می‌کند.

همچنان که مد پایدار به جریان اصلی مد نزدیک می‌شود، شروع به شناسایی یک روش کارآمد برای مهار تاثیر یکی از آلاینده‌ترین صنایع کره زمین نیز می‌کند. شرکت‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی صنعتی، با طراحی‌های جالب دوستدار طبیعت (سازگار با محیط زیست) قلب و جیب مصرف‌کنندگان را به دست می‌آورند.

سرانجام مد پایدار به خیابان‌ها آمده و شروع به ایجاد موج در میان خریدارانی می‌کند که به طور فزاینده‌ای به دنبال آگاهی و در جست‌وجوی لباس‌های اخلاقی و سازگار با محیط زیست هستند. این یکی از کلیدی‌های سال در موضوع مد است؛ در پایان سال خلاصه‌ای که توسط موتور جست‌وجوی مد لوکس Lyst<sup>۱۸</sup> بر اساس میلیاردها جست‌وجو در وب سرورهای آن در سال ۲۰۱۹ منتشر گردید این مسئله را نشان داد. جست‌وجوهای شامل کلمات کلیدی همچون «پایدار» و «اخلاقی» ۴۷ درصد افزایش را نشان داد. اگرچه مطابق با گزارش منتشر شده توسط برنامه جهانی مد و ائتلاف پوشاک پایدار: «نتایج نشان می‌دهند که شرکت‌های مد راه‌حل‌های استوار و پایدار را با سرعت کافی پیاده‌سازی نمی‌کنند تا اثرات منفی زیست محیطی و اجتماعی ناشی از رشد آنها را جبران کنند.»

## مرکز Fokus Green<sup>۱۹</sup> (کلمبیا)

آیا ممکن است که محصولات مد باکیفیتی را از ضایعات صنعتی و بطری‌های پلاستیکی بازیافتی ایجاد کرد؟ جواب مثبت است. Green Fokus در تلاش است تا با یک رویکرد پیشگامانه تعریفی جدید از بازار مد ارائه کند، جایی که فعالیت‌های زیست محیطی و تولید لباس‌های سازگار با محیط زیست دست به دست هم جلو می‌روند. Uribe Jaramillo Camilo، مدیرعامل این شرکت اجتماعی می‌گوید: «ما این خانه اسرارآمیز که به آن زمین می‌گوییم را دوست داریم و به همین علت است که هر ساله حداقل از سه پروژه پاکسازی سواحل و اقیانوس‌ها و سه پروژه انبوه‌سازی جنگل‌ها حمایت می‌کنیم. هدف ما حذف بیش از ۲۰ تن زباله پلاستیکی از سواحل خود و کاشت بیش از ۵۰۰۰ درخت در سرزمین‌هایی است که هر ساله در آن حضور داریم.» محصولات Fokus

۱۸ [www.lyst.com](http://www.lyst.com)

۱۹ قلب سبز



Magpies & Peacocks برای ساخت محصولات مد با استفاده از مواد ذخیره شده در مقر منابع قابل استفاده مجدد، که شامل محصولات اهدایی از سوی مردم است، با هنرمندان و طراحان همکاری می‌نماید. همچنین، این شرکت با مدارس هنری و شرکت‌های پیشگام مد و طراحی، برای انجام برنامه‌های آموزش هنری برای دانش‌آموزان و طراحانی که قصد دارند دانش خود را گسترش دهند و به شبکه پشتیبانی جامعه بپیوندند، همکاری می‌کند.

#### منبع:

<https://www.bbva.com/en/three-social-enterprises-revolutionizing-sustainable-fashion>



Magpies & Peacocks برای ساخت محصولات مد با استفاده از مواد ذخیره شده در مقر منابع قابل استفاده مجدد، که شامل محصولات اهدایی از سوی مردم است، با هنرمندان و طراحان همکاری می‌نماید.

طور به دنبال بهبود سیستم توصیه خریدار و فروشنده نیز هست.

#### شرکت Magpies & Peacocks<sup>۲۱</sup>

Magpies & Peacocks یک شرکت سرمایه‌گذاری اجتماعی مستقر در هوستون است که به وسیله پرورش هنر، آموزش، حفظ و دور نگه داشتن محصولات مد از محل دفن زباله و بازگرداندن به جامعه هوستون، در تلاش برای ایجاد محیطی برای تغییرات مثبت است. مدل کار این مجموعه بر چهار اصل استوار است: همکاری، ساختن، آموزش و سرمایه‌گذاری: «ما می‌خواهیم یک مرکز تجاری در منطقه هوستون را با تمرکز بر هنر و مد توسعه دهیم، تا آگاهی در مورد مشکلات ناشی از صنعت مد را افزایش داده و از فرصت‌هایی که برای حل آنها داریم استفاده کنیم.» این صحبت‌های سارا جین اسمیت بنیانگذار و موسس Magpies & Peacocks است.

۲۱ کلاغ‌ها و طاووس‌ها. یک شرکت طراحی غیرانتفاعی است که در زمینه جمع‌آوری و استفاده مجدد پایدار از لباس‌های مد، نمونه‌های پارچه‌ای و لوازم جانبی فعالیت دارد.





## برگردان از شایا امینی

۱۹۸۵

- در جنوب کیتو (پایتخت اکوادور)، ماکیاتا<sup>۳۳</sup> به عنوان ابتکاری برای کار با سازمانهای کوچک تولیدکننده، زنان، جوانان و جوامع کلیسایی (CEB) متولد شد. ماکیاتا بازارهای مشترکی بین مناطق روستایی و شهری به منظور تجاری کردن تولید محصولات مورد نیاز اساسی مردم، با واسطه کمتر، ایجاد کرد.

۱۹۸۵-۱۹۹۰

- شبکه ارتباطی ماکیاتا با داشتن برنامه‌های کمک در زمینه امنیت، پاسخگویی و مدیریت غذا در ۹ استان گسترش می‌یابد.
- با هماهنگی زنان، صادرات صنایع دستی و محصولات صنایع کشاورزی آغاز می‌شود. (امروزه به نام محصولات ماکیاتا عرضه میشوند)
- ظرفیت‌سازی متناسب با این اقدام، انگیزه جدیدی به وجود آورد و شبکه ماکیاتا را تقویت می‌کند.
- ایجاد خط مالی Fondo Solidario
- گروه هماهنگی ملی، توزیع محصولات کشاورزان از مناطق ساحلی، سیرا و آمازون را در سطح ملی رهبری می‌کند.
- آغاز صادرات کاکائو و قهوه. (امروزه به نام آگرو ماکیاتا عرضه می‌شود)
- ایجاد مجله سازمانی Nucanchic Maquicuna

۱۹۹۱-۱۹۹۵

ماکیاتا عضو IFAT میشود. (امروزه عضو WFTO)

- ماکیاتا شبکه تجارت جمعی آمریکای لاتین (RELACC) را با ۱۲ کشور عضو ایجاد می‌کند.
- اولین ابتکارات گردشگری جامعه‌محور (مبتنی بر جامعه محلی) \_\_\_\_\_

Maquita ۲۲

(امروزه ماکیاتا توریسم نامیده می‌شود)

- افتتاح دفتر مرکزی ماکیاتا در کیتو.
- افتتاح ۳ سوپرمارکت در مناطق حاشیه‌ای: یکی در کیتو و دو مورد در گویاکویل.

۱۹۹۶-۲۰۰۰

- صندوق همبستگی، به تعاونی پس‌انداز و اعتبار ماکیاتا تبدیل می‌شود.
- شبکه فروشگاههای مشارکتی به ۷۰۰ مرکز در سراسر کشور افزایش می‌یابد.
- گروه هماهنگی زنان، برنامه‌ای در مورد برابری جنسیتی را هدایت می‌کند.
- کارهای اجتماعی و تجاری ماکیاتا در ۱۴ استان اکوادور گسترش پیدا می‌کنند.
- در سال ۱۹۹۹ ماکیاتو از بحران مالی اکوادور عبور می‌کند.

۲۰۰۱-۲۰۰۵

- آگرو ماکیاتا دومین صادرکننده کاکائو در اکوادور است که منجر به ایجاد شبکه تولیدکنندگان کاکائو، CORPROC می‌شود.
- گواهینامه‌های ISO و ارگانیک برای محصولات غذایی ماکیاتا گرفته می‌شوند.
- مدرسه اقتصاد اجتماعی و مدرسه همبستگی شروع به ارائه کلاس‌های رهبری و شبکه‌های سازمانی می‌کنند.
- افزایش تعداد کارآفرینی‌های جامعه محور: مراکز جمع‌آوری، گردشگری و کشت و صنعت.

۲۰۰۶-۲۰۱۰

- افتتاح مرکز انتقال فناوری ماکیاتا، در لس ریوس.





- در سیرا و آمازونیا، مراکز جدید گردشگری جامعه‌محور افتتاح می‌شوند.
- افتتاح مقر آگرو ماکیاتا در گویاکویل.
- به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد ماکیاتا، دولت اکوادور به دلیل خدماتی که به وسیله پدر گراتسیانو میسون و خواهر ماریا خسوس پرز ارائه شده، به آنها نشان افتخار اعطا می‌کند.<sup>5</sup>

۲۰۱۵-۲۰۱۱

- دولت اکوادور به ماکیاتا به عنوان یک سازمان اقتصاد اجتماعی و همبستگی، نشان افتخار اعطا می‌کند.
- همکاری خصوصی-عمومی با وزارت کشاورزی اکوادور، برای اجرای برنامه‌های کاکائو و قهوه در سطح ملی.
- فدکس‌پور<sup>۳۳</sup> ماکیاتا را به عنوان سومین صادرکننده مهم اکوادور اعلام می‌کند.
- افتتاح کارخانه فرآوری کینوا در چیمبورازو<sup>۳۴</sup>.

### اصول به کار رفته در ماکیاتا

۱. ما با ایمانی زندگی می‌کنیم، که به ما انگیزه کمک به آسیب پذیرترین افراد را با تمرین همبستگی و تعهد می‌دهد.
۲. ما براساس شفافیت، صداقت، همراه با ریاضت و سادگی کار می‌کنیم.
۳. ما خانواده را به عنوان ستون سازماندهی جامعه در نظر می‌گیریم.
۴. ما به دنبال قدرتمندسازی و موقعیت پیشرو زنان در خانواده‌ها و جامعه خود هستیم.
۵. ما همراه با در نظر گرفتن هویت و پروپوزال کاری جوانان از مشارکت فعال آنها حمایت می‌کنیم.
۶. ما برابری جنسیتی، قومی-فرهنگی، بین نسلی، سرزمینی، زیست محیطی و اقتصادی-اجتماعی را ارتقا می‌دهیم.
۷. ما در سطح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در عین غیر سیاسی محور بودن تأثیر می‌گذاریم.
۸. ما به صورت شبکه‌ای و با مشارکت فعال مردم و سازمان‌ها کار می‌کنیم.
۹. ما بدون خشونت فعال عمل می‌کنیم و گفتگوی بین شخصیت‌های مختلف را تشویق می‌کنیم.
۱۰. ما برای هویت‌های فرهنگی و دانش اجدادی جوامع ارزش قائل هستیم.

۱۱. ما به حقوق طبیعت احترام می‌گذاریم و از محیط زیست محافظت می‌کنیم.
۱۲. ما در تولید، تحول، بازاریابی و مصرف مسئولانه محصولات سالم براساس عدالت و همبستگی عمل می‌کنیم.

ارزش‌هایمان عبارتند از:

- معنویت
- اخلاق
- همبستگی
- شادی
- هماهنگی خانوادگی
- عدالت و فراگیری (شمول‌گرایی)

منبع:

[/https://history/en/ec.com.maquita](https://history/en/ec.com.maquita)

<https://maquita.com.ec/en/principles-and-values/>



# دستگاه، یک شغل، پروژه پارچه‌بافی دستادست: یک زن، یک

## چرا پارچه را انتخاب کردیم؟

- محصولی کاربردی است که فشار مختلف مردم از آن برای انجام کارهای مختلفی استفاده می‌کنند. کاربردی و همه‌گیر بودن هر دو معیارهای مهمی برای انتخاب ما بودند.

- نیاز به آموزش‌های طولانی مدت برای استفاده از دستگاه وجود ندارد.

- نیاز به تحصیلات خاصی برای یادگیری ندارد.

- در راستای اهداف تجارت عادلانه و مد پایدار است. با توجه به اینکه صنعت پوشاک جزو صنایعی است که در آن نقض حقوق کارگران و شاغلین به همراه تخریب محیط زیست بسیار اتفاق می‌افتد بنای ما حرکت به سمت پوشاک عادلانه است. یعنی رسیدن به جایی که در کل چرخه تولید پارچه و محصولات پارچه‌ای تولیدی هیچ شکلی از نقض حقوق انسان‌ها در کار نباشد و از مواد اولیه طبیعی و پایدار استفاده شود تا محیط زیست کمتر آسیب ببیند.

## در چه مرحله‌ای هستیم؟

یک نمونه دستگاه خریداری شده و تست‌های لازم انجام شده‌اند. مشخصات و ملزومات دقیق ادامه کار شناسایی شده‌اند و مربی ما آموزش دیده است. یک سری حوله‌های پارچه‌ای هم به شکل امتحانی بافته و عرضه شدند.

در حال حاضر به دنبال شناسایی نفرات و حل مسئله چله‌کشی هستیم تا کمپین جمع‌سپاری برای این پروژه را شروع کنیم.

کمپین این پروژه به شکل نویی طراحی شده است. افراد می‌توانند به دو صورت به پروژه کمک کنند. حالت اول کمک بلاعوض است برای کسانی که توان، علاقه و امکانش را دارند. اما حالت دوم سرمایه‌گذاری بدون سود در این پروژه است. یعنی هرکسی می‌تواند معادل کمکی که به پروژه می‌کند، بن تخفیف در خرید محصولات پارچه‌ای دریافت کند که امکان دریافت ۲۰ درصد تخفیف در هر خرید تا زمان اتمام بن را به فرد می‌دهد.

## چطور می‌توانید به این پروژه کمک کنید؟

اگر در زمینه تولید دستگاه پارچه‌بافی، نخ، چله‌کشی و... فعال هستید می‌توانید به این پروژه بپیوندید.

اگر در کارهای گرافیکی، تبلیغاتی و... مهارت دارید، با کار داوطلبانه به ما کمک کنید.

اگر امکانش را دارید به پروژه کمک مالی کنید.

و نهایتاً اینکه دستادست را به دوستان و آشنایان‌تان معرفی کنید تا صدای ما به دورترها برسد.

ما در تمام سال‌های فعالیت خود آرزوی این را داشتیم که بتوانیم با زنانی که دسترسی به اینترنت و موبایل ندارند و تحت حمایت مجموعه‌ای نیستند کار کنیم، اما به دلیل کوچک بودن سازمان و کمبود امکانات هیچ وقت موفق به این کار نشده بودیم. با شیوع کرونا و ترکیب آن با بحران اقتصادی به وضوح شاهد سخت‌تر شدن اوضاع برای همکاران خود در روستاها و شهرهای مختلف کشور بودیم و همان طور که در سرمقاله این شماره هم نوشتیم، فکر کردیم باید سعی کنیم با نوآوری حتی شده به اندازه کمک به یک نفر از بار رنج این شرایط بکاهیم. پروژه پارچه‌بافی دستادست از دل این نگاه متولد شد.

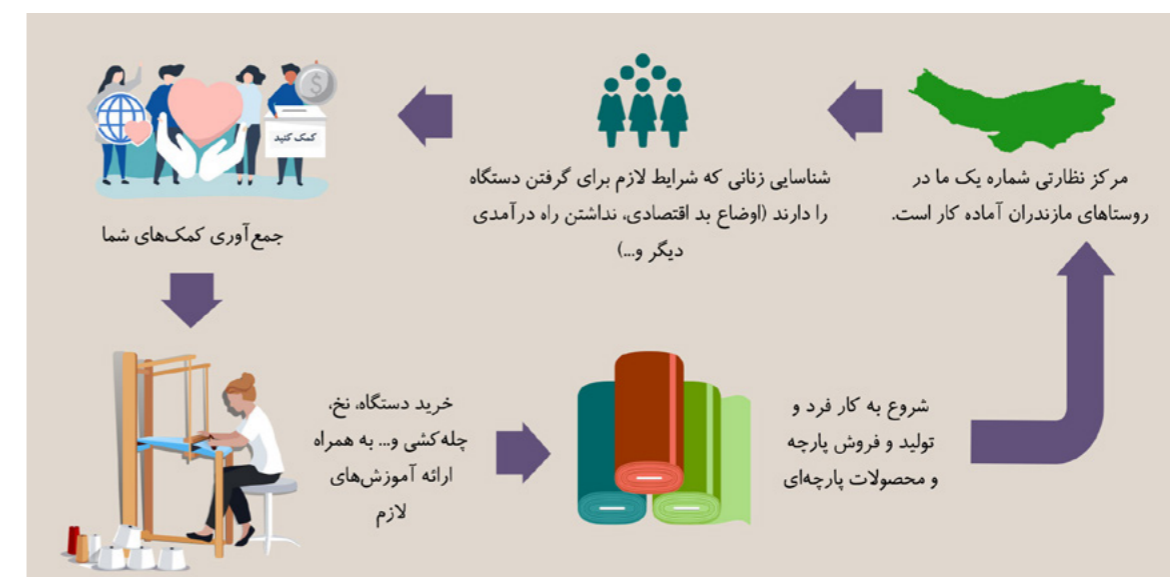
پروژه جدید ما تولید پارچه دست‌بافت و محصولات پارچه‌ای از الیاف طبیعی با استفاده از کمک‌های مردمی است. سه ویژگی اصلی این پروژه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

ایجاد شغل برای زنانی که در وضعیت بسیار بد اقتصادی قرار دارند

تولید پارچه و پوشاک در چرخه‌ای عادلانه و بدون بهره‌کشی از تولیدکننده

حفاظت از محیط زیست تا حد ممکن

## پروژه چطور قرار است پیش برود؟



## معرفی کتاب «زنان کارآفرین؛ کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران»

فروغ عزیزی

پژوهش در زمینه اشتغال غیررسمی زنان در ایران کمتر مورد علاقه پژوهشگران حوزه های اجتماعی و اقتصادی بوده و با وجود حضور کم تعداد و با نرخ تقریباً ثابت زنان در بازار کار رسمی همچنان بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه معطوف به اشتغال رسمی است. این مسئله نه تنها در ایران که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به درستی مورد بررسی قرار نگرفته است در نتیجه انتشار پژوهش‌هایی همچون کتاب «زنان کارآفرین، کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران» بسیار اهمیت دارد.

این کتاب نوشته رکسانا بهرامی‌تاش، ترجمه‌ای از کتاب Gender and Entrepreneurship in Iran: Microenterprise and the Informal Sector که در سال ۲۰۱۳ چاپ شده است. کتاب در پنج بخش، پیشگفتار و نتیجه گیری نوشته شده که در سه بخش نخست به مباحث نظری پرداخته می‌شود و در بخش های بعدی داده‌های پژوهش خود را ارائه می‌کند.

نویسنده در پیشگفتار هدف اصلی کتاب را آشکار کردن اقتصاد نامرئی می‌داند و بررسی این امر که آیا زنان کم‌درآمد که در بخش غیررسمی به عنوان کارآفرینان خرد فعالیت می‌کنند به لحاظ مالی توانمند می‌شوند یا همانطور که اکثر متون مربوطه مطرح می‌کنند مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. او با این هدف به گفتمان توسعه و شرق شناسی ضمنی و صریح این گفتمان به ویژه در رابطه با جهان اسلام اشاره می‌کند و از قول اسکوبار<sup>۲۵</sup> نقل می‌کند که توسعه به مثابه یک گفتمان با سایر گفتمان‌های استعماری مانند شرق‌شناسی همخوانی بسیار دارد. همچون شرق‌شناسی که به مانند نهاد شرق را تعریف می‌کند، توسعه نیز به تعریف ناهنجاری‌ها (فقر، مردمان دچار سوءتغذیه، بیسوادان، بی‌خانمانان و ...) می‌پردازد و با استفاده از مرجع قرار دادن غرب، به دنبال حل این مسائل است. اسکوبار معتقد است که تفکر انتقادی می‌تواند در مورد قدرتی که گفتمان را تشکیل می‌دهد آگاهی اجتماعی به وجود آورد و می‌تواند به جوامع کمک کند تا از توسعه به سوی حوزه‌ای دیگر حرکت کنند. نویسنده معتقد است با بهره گرفتن از این نقد در این کتاب زنان را نه عنوان قربانی که به عنوان فاعل می‌بیند و به دنبال مقاومت در برابر مجموعه‌ای از کانون‌های دانش است از دولت تا خانواده.

او به جایگاه خود به عنوان محقق دانشگاهی در جهان اول و به نقدهایی



که به این موقعیت در تحقیقات اجتماعی می‌شود اشاره می‌کند و پیشنهاد می‌دهد محققان مشارکت در جرم خود را بپذیرند زیرا هیچ راهی برای خروج و یا از بین بردن اولویت‌های شخصی وجود ندارد در عوض باید آموخت که از پایین شروع کرد و از تمایل به آموزش دادن، بسیج کردن، سخنرانی یا روشنگری خودداری کرد زیرا این ها موانع ساختاری میل به برتری و سلطه هستند.

تاکید کتاب بر شاخص‌هایی مانند انواع و ویژگی‌های کار غیررسمی است: موقت، خودمدار، مقیاس کوچک و مبتنی بر خانه، بدون بیمه یا مزایای اشتغال. تمرکز بر خانواده‌های کم‌درآمد است و نه صرفاً زنان. چنانچه نویسنده می‌گوید: «این کتاب با نگاه به زنان آغاز شد زیرا یک بازار کار کاملاً

تفکیک شده به لحاظ جنسی وجود دارد اما همانطور که این پژوهش میدانی پیش رفت لزوم بررسی مردان در این بخش نیز به جزء مهمی از تحقیقات تبدیل شد در نتیجه مردان هم در این پژوهش میدانی گنجانده شدند تا ماهیت کار زنان و تفاوت آن با کار مردان شاغل در این بخش روشن شود.» (صفحه ۷۷)

فصل اول کتاب با عنوان «زنان دیگر و اقتصاد دیگر» به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در توانمندی اقتصادی می‌پردازد. سرمایه اجتماعی به مثابه نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که بر تعامل بین مردم حاکم هستند و به توسعه اقتصادی اجتماعی کمک می‌کنند، مولفه‌ای واجد اهمیت برای وام‌های اعتباری خرد هستند. نویسنده با انتقاد از شیوه‌ای که از سرمایه اجتماعی در ادبیات توسعه استفاده می‌شود، آن را چاره‌ای موقت برای جایگزینی دولت و در نتیجه تسهیل سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی و جهانی سازی می‌داند. در نتیجه در ادبیات توسعه سرمایه اجتماعی می‌تواند در قالب اعتبارات خرد به مثابه ابزاری برای مقابله با فقر به کار گرفته شود. چیزی که تغییری در ساختار اجتماعی نمی‌دهد بلکه هدف نهایی حفظ آن است.

در فصل دوم با عنوان زنان، کارآفرینی خرد و اقتصاد غیررسمی به تعریف مفاهیم و داده‌های پژوهشی‌ای که تا کنون در این زمینه در کشورهای خاورمیانه و آفریقایی و (مصر و ترکیه) همچنین ایران انجام شده می‌پردازد.





شرکت‌های خصوصی برای فرار از مالیات و بیمه کارگران خود را گزارش نمی‌دهند. از آنجا که زنان اغلب کارهایشان را در حوزه خصوصی انجام می‌دهند به راحتی و بیشتر از مردان نادیده گرفته می‌شوند.

نظیر طبقه، تحصیلات اجتماعی و وضعیت زناشویی نیز مرتبط است.

در فصل سوم کتاب گزارشی از بخش رسمی اشتغال زنان ایران از زمان صنعتی شدن ارائه می‌شود. نویسنده نقش مدرنیزاسیون را بر اشتغال از ابتدای قرن حاضر با پهلوی اول و پهلوی دوم پی می‌گیرد و بر انقلاب سفید به عنوان اتفاقی که بر اشتغال زنان تاثیر گذاشت تاکید می‌کند. با انقلاب سفید بخش کشاورزی دگرگون شد و اشتغال در مناطق روستایی کاهش چشمگیری داشت و از میزان اشتغال زنان که پیش از آن بخش عمده آن کار کشاورزی بود، کاسته شد. از یک سو شیوه‌های توزیع زمین در انقلاب سفید بسیار مردانه بود و زمین بین مردان تقسیم شد و زنان یا کارگران مزدی بودند یا نیروی کار نامرئی. از سوی دیگر تجاری کردن سرمایه‌دارانه کشاورزی چون در آن کنترل ابزارآلات کشاورزی و صنعتی کردن کشاورزی با مردان بود، کنترل زنان بر منابع اقتصادی را تضعیف کرد. نتیجه به حاشیه راندن نیروی کار زنان بود. اما به شکل همزمان اقتصاد تولیدی رو به گسترش، فرصت‌های شغلی دیگری را به جز کار کشاورزی، برای زنان ایجاد کرد. در واقع بخشی از زنان وارد سیستم بوروکراتیک دوران پهلوی دوم شدند. همین طور نیروی کار زنان به دلیل تحصیلات تخصصی‌تر شد.

بعد از انقلاب ۵۷ میزان اشتغال زنان طبقه متوسط و بالا کاهش پیدا می‌کند اما از نظر نویسنده نقش اسلامی شدن در کاهش نیروی کار زنان بعد از انقلاب زیاد نیست. او بیشترین کاهش اشتغال زنان بعد از انقلاب سفید و انقلاب اسلامی را به کاهش اشتغال زنان در مناطق روستایی و بخش کشاورزی مرتبط می‌داند و فرق بین این دو دوره را در تحریم‌ها و جدا شدن اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی می‌داند. به عنوان مثال تحریم‌ها باعث کاهش فروش فرش، و این امر باعث کاهش اشتغال زنان در این بخش شد.

اما به طور کلی بعد از انقلاب نرخ بیکاری زنان در مناطق شهری افزایش زیادی



او از دو رویکرد در جنسیت، کارافرینی خرد و بخش غیررسمی سخن به میان می‌آورد. بخشی از نظریه‌پردازان نگاه مثبتی به آن دارند و استدلال می‌کنند ترکیب خانه‌داری و اشتغال برای بسیاری از زنانی که کار خانگی انجام می‌دهد یاری رسان است و سیاست و قانون کار باید از زنانی که در این بخش حضور دارند حمایت کند. «اغلب اوقات تنها دسترسی زنان به درآمد شخصی از طریق کار در خانه صورت می‌پذیرد و اگرچه آمارهای جهانی قابل اتکا نیستند اما طبق همان آمارها نیروی کار زنان شاغل در خانه ۵۰ تا ۷۰ درصد از کل نیروی کار را تشکیل می‌دهد. افزایش حمایت از زنانی که مشاغل خانگی دارند به سازمان‌های کارگری کمک می‌کند تا نیازهای زنان در اقتصاد غیررسمی را درک کنند و همچنین تصویری حقیقی از تعداد کار در بخش غیررسمی که به سبب هنجارهای جنسیتی ناپیدا هستند را به دست دهند.» (صفحه ۸۹) منتقدان به این نگاه بر این تاکید می‌کنند که انجام دادن کار در خانه یک انتخاب برای زنان نیست بلکه تحمیلی است از سوی هنجارهای قدرتمند موجود و این اشکال کار زنانه به اموری محدود می‌شوند که کم ارزش هستند و مزدشان به مراتب کمتر از کارهای مردانه است. به این ترتیب شکاف جنسیتی در این زمینه بیشتر و بیشتر خواهد شد.

کتاب به این نکته اشاره دارد که در بررسی بخش غیررسمی چه در ایران و چه در کشورهای دیگر خاورمیانه و آفریقا (در اینجا ترکیه و مصر) مشکلاتی وجود دارد. یکی از مهمترین مشکلات کم شماری و عدم گزارش‌دهی است. شرکت‌های خصوصی برای فرار از مالیات و بیمه کارگران خود را گزارش نمی‌دهند. از آنجا که زنان اغلب کارهایشان را در حوزه خصوصی انجام می‌دهند به راحتی و بیشتر از مردان نادیده گرفته می‌شوند. علاوه بر این همپوشانی برخی مشاغل که زنان در خانه انجام می‌دهند با کار خانگی‌شان باعث می‌شود که آن را به عنوان شغل گزارش ندهند. گرچه این نامرئی سازی در مشاغل غیررسمی به عوامل دیگری



دوره‌ای قرض‌الحسنه‌ای بدون بهره استفاده می‌کنند که به عنوان بخشی از شبکه تامین اجتماعی آنها عمل می‌کند؛ و کار در بخش غیررسمی می‌تواند امکان رهبری بر یک جمع را فراهم کند و نقش‌های اجتماعی زنان را در جامعه خود افزایش دهد.» (صفحه ۱۴۹)

برخی از زنان بخش غیررسمی را ترجیح می‌دهند، زیرا ساعت‌ها و شرایط کاری منعطف‌تری در اختیار آنها قرار می‌دهد، در برخی موارد به شخص اجازه می‌دهد از خانه کار خود را انجام دهد (این مورد در کسب و کارهای خانگی صادق‌تر است).

در این تحقیق تعداد زنان مجرد بیشتر از متاهل بوده است. به

نظر نویسنده کار در یک شغل کم درآمد، بدون امنیت و با ساعات طولانی چیزی نیست که خیلی مطلوب زنانی باشد که کار همسراری و مادری را هم به عهده دارند. اما زنان مجرد برای حفظ استقلال و منفعت شخصی خود این کار را انجام می‌دهند. با این وجود نویسنده معتقد است که نمی‌توان این را به کل اشتغال غیررسمی تعمیم داد و گفت تعداد زنان متاهل کمتر است. مصاحبه‌های عمیق در حین تحقیق نشان داده که زنان زیادی از افسردگی رنج می‌برند و نیمی از زنان متاهل اظهار کرده‌اند که کار بیرون از خانه باعث کاسته شدن از میزان کارشان درون خانه نمی‌شود. عده زیادی‌شان ترجیح می‌دادند در خانه کار کنند تا بتوانند از فرزندان خود مراقبت کنند.

در فصل پنجم نویسنده زنان و مردان شاغل غیررسمی را با هم مقایسه می‌کند. یکی از نکات مهمی که در این فصل مطرح می‌شود این است که زنان در بخش غیررسمی هم نه تنها برای مشاغل پردرآمد که حتی برای مشاغل کم درآمد، باید تحصیلات و مهارت بیشتری نسبت به مردان داشته باشند.

کتاب با بررسی چند نمونه از کارآفرینی و تعاونی در بخش نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

کتاب با وجود اینکه در شهر تهران به بررسی مشاغل غیررسمی می‌پردازد بخش مهمی از کارگران غیررسمی افغانستانی را حذف می‌کند. گرچه در بررسی اشتغال مردان به این امر اشاره می‌کند که عده زیادی از کارگران بخش ساختمانی مهاجران افغانستانی هستند و نویسنده نتوانسته چندان اطلاعاتی از آنها به دست بیاورد اما در بخش زنان جز در یک مورد زنان سرپرست خانوار به موردی اشاره نمی‌کند.

در فصل آخر که عنوان نتیجه‌گیری دارد به معرفی نمونه‌ها و اشکال مختلفی از کارآفرینی در شهرها و مناطق مختلف پرداخته شده است، نمونه‌هایی مانند تعاونی‌ها، کارآفرینی‌های اجتماعی و... و وعده انتشار پژوهش‌های دیگری در این زمینه را می‌دهد.

کتاب زنان کارآفرین، کسب و کارهای خرد و بخش غیررسمی در ایران در سال ۱۳۹۹، با ترجمه مهشید کریمایی توسط انتشارات شیرازه منتشر شده است.



پیدا کرده است. در سال ۶۵ احتمال حضور زنان در نیروی کار بیکار ۲/۱ برابر مردان در همین شرایط بود. در سال ۸۵ این مقدار ۲/۳ برابر شد. بعد از دهه ۶۰ درصد زنان به عنوان کارفرما و رئیس در بخش خصوصی بیشتر شدند، میزان تحصیلات آنها بالاتر رفت و نیروی کار تخصصی‌تری شدند. در واقع کیفیت نیروی کار زنان تغییر کرد.

فصل چهارم بدنه اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد. در این فصل نویسنده داده‌های کمی و کیفی خود را درباره پروژه‌ای که در شهر تهران انجام داده طرح و تحلیل می‌کند. او فرضیه‌هایی در ابتدای فصل مطرح می‌کند که در بدنه کار تایید شده اند. فرضیه‌ها شامل موارد زیر است:

«زنان به دلیل عدم دسترسی به بخش رسمی وارد این بخش از اقتصاد می‌شوند؛ اشتغال در بخش غیررسمی جزئی ضروری از شبکه تامین اجتماعی آنهاست؛ اشتغال در بخش غیررسمی از سوی شبکه خانواده و خویشاوندان پشتیبانی می‌شود که فرصت‌های شغلی و همچنین دسترسی به بازارها را فراهم می‌کند؛ تفکیک جنسی، باب برخی از فرصت‌های اقتصادی را بسته است در حالی که فرصت‌های دیگری در فضاهای کاملاً زنانه ایجاد کرده است؛ مشخصه شرایط کار در بخش غیررسمی با ساعات طولانی، دستمزد کم و نبود بیمه بیکاری یا سایر مزایای کاری است؛ زنانی که فضای کاری‌شان نزدیک به خانه است، بیشتر از کسانی که دور از محل زندگی خود کار می‌کنند، از حمایت شبکه اجتماعی‌شان برخوردار می‌شوند؛ بخش غیررسمی شامل مبادله کالاها و خدماتی است که در اقتصاد نقدی جای نمی‌گیرد (با اینحال، این امر سنجش دقیق ندارد بلکه تنها به واسطه مشاهده این گونه نتیجه‌گیری شده است)؛ دستفروشان خیابانی کمترین امنیت را دارند، به ویژه هنگامی که در مناطقی خارج از محله خود کار می‌کنند؛ به دلیل نقش‌های باروری و خانه‌داری، برخی از زنان بخش غیررسمی را ترجیح می‌دهند، زیرا ساعت‌ها و شرایط کاری منعطف‌تری در اختیار آنها قرار می‌دهد، در برخی موارد به شخص اجازه می‌دهد از خانه کار خود را انجام دهد (این مورد در کسب و کارهای خانگی صادق‌تر است)؛ برخی از زنان از وام‌های



# بی آنکه عادت کند: بازخوانی رمان عادت می‌کنیم



ماه‌منیر هم در رمان عادت می‌کنیم، الگووار و البته نمادین ترسیم شده است. همه ما با او آشنایی داریم. هنگامی که تجمل و آرایش ظاهری زندگی‌اش بیش از هر چیزی برای او مهم است، یا وقتی، بدون آنکه مسئولیتی قبول کند به تمامی خواهان برآورده شدن انتظارات خودش است، می‌توانیم او را بپذیریم.

## دیبا ناظمی

در میان آثار داستانی معاصر فارسی، وقتی که قرار بر بازخوانی اثری گذاشته می‌شود که بیش از یک دهه از انتشار آن گذشته است، این گونه برداشت می‌کنیم که آن اثر گرفتار فراموشی بر اثر زمان و فروکش کردن هیجانات زمان انتشارش نگشته است و بالعکس با اقبال مخاطبان بیشتری نیز از زمان نخستین انتشارش مواجه شده است.

عادت می‌کنیم، از زویا پیرزاد از جمله این آثار موفق در رمان‌های معاصر فارسی است که نقد و نظرهای زیادی در رابطه با آن در طول سال‌ها ارائه شده است. این بازخوانی دوباره احتمالاً بتواند باز هم از جهان زنانه این رمان و نویسنده‌اش حرف بزند و افراد بیشتری را از نسل‌های جوان‌تر ترغیب به خواندن رمان‌هایی کند که به قلم زنان نوشته شده‌اند.

عادت می‌کنیم، روایت برشی از زندگی آرزوست. او طالب زیستن در دنیایی است که به او اجازه تجربه کردن زندگی انسانی بدهد.

## مادر از ما چه می‌خواهد؟

اگر سخت‌ترین تضاد آرزو، تضاد با مادرش نباشد، مهم‌ترین مانع و دغدغه او ارتباطی است که با مادرش ماه‌منیر داشته و دارد. آرزو در رمان عادت می‌کنیم، میراث‌دار تمام نقش‌هایی است که در خانواده‌اش از قبل متعلق به پدرش بوده و در جامعه به طور معمول در تصرف مردان است. او خود از همسرش جدا شده و با مادرش ماه‌منیر زندگی می‌کند. او در حالی که درگیر مشکلات اقتصادی و مدیریت شغل خانوادگی، و مادری کردن برای دخترش آیه است، درگیر رابطه‌ای عاطفی می‌شود که ذهن و رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اما آرزو فراتر از تمامی اینها، جدالی پایان‌ناپذیر با مادرش ماه‌منیر دارد. ماه‌منیر به تمامی شخصیتی منفی، سرد، مدعی و سرکوبگر ترسیم شده است و حالا آرزو در موقعیتی قرار گرفته است که باید راجع به زندگی شخصی خودش تصمیم بگیرد، به همین علت تضاد وی با مادرش پررنگ‌تر جلوه می‌کند.

آرزو آن چیزی را می‌خواهد که همه زنان خواهان آن هستند. مادران هر کدام از ما در جهان واقعی می‌توانند از الگوهای بی‌شماری از شخصیت‌های انسانی تبعیت کنند. فداکار باشند یا خودخواه، حاضر باشند یا غایب، سرکوبگر باشند یا حمایت‌گر و ... اما جلب رضایت مادر و صمیمیت با او آرزوی هر کس است.

ماه‌منیر هم در رمان عادت می‌کنیم، الگووار و البته نمادین ترسیم شده است. همه ما با او آشنایی داریم. هنگامی که تجمل و آرایش ظاهری زندگی‌اش بیش از هر چیزی برای او مهم است، یا وقتی، بدون آنکه مسئولیتی قبول کند به تمامی خواهان برآورده شدن انتظارات خودش است، می‌توانیم او را بپذیریم. چرا که بارها به مانند او در جهان بیرون و درون خودمان برخورد کرده‌ایم.

تعارضی که آرزو با مادرش پیدا کرده است، تعارضی پیچیده و حقیقی است که در انواع پوسته‌های ظاهری بین تمامی مادران و دختران با هر ویژگی پسند و ناپسندی اغلب رخ می‌دهد و از همین رو مانند آرزو باید به دنبال راه چاره بود و همین قرار گرفتن آرزو در نقش قهرمان زندگی به ظاهر عادی خود است که او را تبدیل به شخصیتی برای یک رمان کرده است. او می‌داند که ماه‌منیر سرکوبگر و منتقدی دائمی است و با هر روشی در صدد ارتباط برقرار کردن با اوست. ارتباطی که پایانی ندارد و مثل رقصی همیشگی بر صحنه‌ای دائمی است. آرزو زندگی و راه خود را برگزیده و تسلیم نشده است، اگرچه نمی‌تواند به تمامی، هاله عذاب وجدان و غبار غم را از دل خودش بزدايد. چنان که در فصل‌های پایانی می‌گوید: «نباید داد می‌زدم... این همه سال نگفته بودم، نباید ماجرای نوکر را به رویش می‌آوردم، چرا گفتم؟» (عادت می‌کنیم، فصل ۳۲).

آرزو همچنان در طلب رضایت مادر و به دنبال آن، در طلب رضایتی درونی همیشگی از خویش است. او با وجود تعارضات بسیار، در ابتدا صرفاً نیازمند انکار وجوه زنانگی و میراث مادرش است تا بتواند خود را بیابد. اما این را کافی نمی‌بیند و در سیر رمان و تجربه‌هایی که از سر می‌گذراند کوشش می‌کند خودش را و میراث مادرانش را درک کند.

چنانکه هرکدام از ما زنان ممکن است در روان ناخودآگاه خود هزار مادر درونی

منتقد داشته باشیم که ضمن آنکه شخصیت و روان ما را تشکیل داده‌اند، منتقد همیشگی درونی ما نیز باشند.

به نظر می‌رسد بهترین راه نه سرکوب و خاموش کردن این صداها، بلکه شنیدن همه انتظارات و طلب‌های آنان و درک کردن آنهاست. این شاید راهی باشد که بتوانیم کم کم از انتظاراتی که از خودمان داریم عبور کنیم تا بتوانیم خواسته‌های حقیقی درونی خود را بیابیم و آنها را جایگزین ذهنیت‌ها و انتظارات غیر حقیقی کنیم که از خودمان داریم.

### ساختار از ما چه چیز نمی‌خواهد؟

حقیقت این می‌تواند باشد که همه تلاش‌ها فقط بستگی به جهان درون ما ندارد. ساختارهایی که هیچ یک از ما در شکل‌گیری آنها نقشی نداشته‌ایم و پیش از تولد ما وجود داشته‌اند، به سادگی با تغییرات درونی و تمرکز بر روی آنها تغییری نمی‌کنند.

در رمان عادت می‌کنیم، هم، سنت‌شکنی‌های آرزو به عنوان قهرمان داستان، در ظاهر تمامی ندارد. او به واسطه نوع شخصیت و تجربه‌های شخصی و اجتماعی‌اش توانسته است با بسیاری از تحمیل‌های غیر منطقی جامعه‌ی مردسالار مبارزه کند. او صاحب شغلی است که در جامعه اطرافش آن را مخصوص مردان می‌دانند، او دارای استقلال مالی است و می‌تواند نیازهای اقتصادی خانواده‌اش را تأمین کند. او توانسته است مسئولیت فرزندش را به عهده بگیرد، اما نکته اینجاست که او در هر حرکتی مجبور به تلاشی مضاعف است.

ساختارها مدام در تعقیب آرزو هستند و او مجبور است در ساده‌ترین حقوق خود، مثل رابطه‌ی عاطفی سالم داشتن، نزدیکترین افراد به خود را قانع کند. این جدال همیشگی، حتی با وجود حصول نتیجه، اغلب جز فرسودگی همراه ندارد. آرزو هم حتی قهرمان زنی است که عادت کرده است و گویی به دنبال جایی بیرون از زندگی است که به او تعلق داشته باشد و صرفاً به دنبال حق زیستن است که گویی برای او حتی طبیعی محسوب نمی‌شود.

ساختار از ما تغییر و توجه به مسیر نمی‌خواهد. بلکه از ما انتظار دارد، الگووار و منفعل در مسیر حرکت کنیم. چیزی که آرزو به عنوان قهرمان زن، آن را نمی‌پذیرد و به تغییر آن دست می‌زند.

### پایان‌بندی زنانه

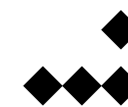
تا کنون در میان نقد و تحلیل‌های زیادی که از رمان عادت می‌کنیم شده است و علیرغم اینکه همین نقد و تحلیل‌های بسیار نشان‌دهنده این است که با اثری دارای جایگاه مهم و ویژه در بین آثار هم‌دوره با او طرف هستیم، به این نکته برمی‌خوریم که اغلب منتقدان، این رمان را هم‌پای رمان مهم‌تر او «چراغها را من خاموش می‌کنم» ندانسته‌اند. اغلب آن را آشفته و دارای پایان‌بندی ویژه‌ای می‌دانند که مخاطب را اقناع نکرده است. عادت می‌کنیم

آرزو هم حتی قهرمان زنی است که عادت کرده است و گویی به دنبال جایی بیرون از زندگی است که به او تعلق داشته باشد و صرفاً به دنبال حق زیستن است که گویی برای او حتی طبیعی محسوب نمی‌شود.



در بسیاری از موارد متهم به پیروی نکردن از ساختارهای معمول یک رمان است. اگرچه این به نظر نگارنده وارد نیست، اما نکته‌ای را به ذهن متبادر می‌کند. در اینکه رمان عادت می‌کنیم، رمانی روان و داستانی است شکی نیست، اما ویژگی‌های قلم زنانه به خوبی در آن مشهود است و این ویژگی‌ها هیچ‌کدام ضعف یا خلأ در متن محسوب نشده‌اند. در رمانی که اگرچه زاویه دید آن سوم شخص است، اما تک‌گویی‌های درونی و فضاسازی‌ها تا حد زیادی وارد جزئیات می‌شوند و همین این اثر را مصداق ادبیات، آن هم از نوع زنانه کرده است. پایان‌بندی هم مرهون همین نگاه توصیفی و فضاسازی است. آرزو به عنوان یک زن به شکلی مضاعف در رقص مدام با دنیای درون و بیرون خود است و همین تبدیل به یک سرنوشت ازلی ابدی برای او شده است. داستان او چندان با داستان دوستش شیرین، از ابتدا تفاوتی نداشته است. برای همین وقتی در پایان، آغاز دوباره قصه شیرین را می‌خوانیم، تا اندازه زیادی انتظاراتمان برآورده می‌شوند. گویی اتفاقاتی که پیرامون زندگی آرزو هر لحظه در حال رخ دادن هستند، ابتدا و انتهای زندگی او را تشکیل داده‌اند و انتظار پایان‌بندی‌های خوش معمول، برای پایان قصه آرزو انتظاری غیر واقعی است.





## ۶ یادداشت کوتاه برای زنان و مردان برابری خواه

فائزه درخشانی



### «مجازات موفقیت/دوست‌داشتنی بودن» را به چالش بکشید!

موفقیت و دوست‌داشتنی بودن در مردان به شکلی مثبت به هم پیوسته‌اند، اما در زنان به شکلی منفی. به این معنی که وقتی مردی موفق است معمولاً همسن و سالانش او را بیشتر دوست دارند، اما برای زنان این طور نیست. اگر زنی شایسته کاری باشد به اندازه کافی دوست‌داشتنی به نظر نمی‌رسد، و اگر دوست‌داشتنی به نظر برسد، این طور در نظر گرفته می‌شود که به اندازه کافی شایسته نیست. این مسئله روی پیشرفت کاری زنان اثر بسیاری دارد.

این کلیشه‌ها و سوگیری‌های مبتنی بر جنسیت هم در توصیف و هم در ارزیابی عملکرد زنان خودشان را نشان می‌دهند. مثلاً زنی که درباره ایده و برنامه‌هایش مستقیم و قدرتمندانه صحبت کند فردی «سلطه جو» و «جاه طلب» خوانده می‌شود. اما اگر مردی چنین سخن بگوید «با اعتماد بنفس» و «قدرتمند» نامیده می‌شود. یا زنان هنگام مذاکره احتمال بسیار زیادی دارد بازخورد بگیرند که «پرخاشگر» و «ترسناک» هستند یا «رئیس بازی» درمی‌آورند.

هروقت به زنان به خاطر انجام کارهایشان لقب‌هایی مانند رئیس بازی، عجوزه و مادر فولاد زره و... دادید، از خودتان بپرسید اگر مردی به جای این زن بود و همین کار را می‌کرد همین برخورد را داشتید یا نه؟ اگر پاسخ شما منفی بود، یعنی بر اثر کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت قضاوت کرده‌اید، و حالا وقت تجدید نظر در این قضاوت رسیده است.

### عملکرد زنان و مردانه را عادلانه بسنجید

این اتفاق از لحظه تولدمان شروع می‌شود! مثلاً به طور معمول مادران توانایی‌ها و قدرت نوزادان پسر خود را در فعالیت‌های جسمی مثل خزیدن، چهار دست و پا رفتن و... بالاتر از نوزادان دختر ارزیابی می‌کنند، حتی وقتی که هیچ تفاوتی بینشان وجود نداشته باشد. این مسئله در طول زمان ادامه پیدا می‌کند، مثلاً توانایی پسران در علوم ریاضی بهتر از دختران ارزیابی می‌شود حتی اگر آزمون‌های سنجش برعکسش را بگویند! در عرصه کسب و کار هم عملکرد مردان در مقایسه با عملکرد زنان معمولاً دست بالا گرفته شده و بیشتر دیده می‌شود. به خصوص وقتی این اتفاق می‌افتد که معیارهای مشخصی برای ارزیابی وجود نداشته باشد و افراد براساس احساسات و استنباط‌های شخصی خودشان نظر بدهند. تبعیض و سوگیری در ارزیابی عملکرد در طول زمان اثرات منفی زیادی

روی آینده شغلی زنان دارد. در واقع وجود سوگیری در درک عملکرد زنان و مردان باعث شده زنان براساس آنچه که قبلاً انجام داده‌اند استخدام شده یا ارتقا پیدا می‌کنند اما مردان براساس پتانسیل‌هایشان و آنچه که می‌توانند انجام دهند.

برای مقابله با این مشکل در کسب و کار خودمان قدم اول این است که درباره وجود این سوگیری و تبعیض جنسیتی در شیوه درک و ارزیابی عملکرد برای تمام همکاران‌مان توضیح دهیم. اولین قدم برای رفتار عادلانه در محیط کار آگاهی‌بخشی است. در قدم بعدی باید شاخص‌هایی کاملاً واضح، قابل فهم و قابل اندازه‌گیری برای ارزیابی عملکرد تعیین کنیم. هر مسئول ارزیابی عملکردی باید خود را موظف به ارائه توضیح درباره نظراتش بداند. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی باعث دقت بیشتر در طول فرایند هم می‌شود.

اگر به دنبال استخدام، معرفی کسب و کارها در رسانه، حمایت مالی از یک ایده و... و هر فعالیت دیگری هستید که همزمان باید بین زنان و مردان انتخاب کنید، حواستان به این سوگیری و تبعیض در درک عملکردها باشد.

### از کلیشه‌های جنسیتی دوری کنید

این کار شاید سخت‌ترین کار دنیا باشد، چون با آن بزرگ شده و به آن عادت کرده‌ایم. خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، جامعه، همه آدم‌ها را به این مسیر هل می‌دهند. اما با آگاهی و تمرین می‌توانیم قدم به قدم از کلیشه‌ها فاصله بگیریم. این نکات می‌توانند در این مسیر به ما کمک کنند:

- همه زنان به کارهای ظریف علاقه ندارند، ما هم مردانی داریم که به کارهای ظریف مثل گلدوزی علاقه‌مندند، هم زنانی را داریم که هیچ علاقه‌ای به هیچ کار ظریفی ندارند.

- علاقه به کارهای فنی مختص مردان نیست. هم زنانی داریم که به خوبی از پس کارهای تعمیرات و مکانیکی برمی‌آیند، هم مردانی داریم که یک واشر





ساده هم عوض نمی‌کنند.

- مردان لزوماً در ریاضیات و علوم پایه بهتر از زنان نیستند.
- زنان لزوماً از آشپزی لذت نمی‌برند یا در آن ماهر نیستند.

...9

زنان و مردان می‌توانند در همه رشته‌ها، همه فعالیت‌ها و حرفه‌ها دانش و مهارت‌های لازم را کسب کرده و در آنها کار کنند. شاید با خودتان بگویید واقعیت چیز دیگری است. اما این طور نیست، ما جور دیگری تربیت می‌شویم، جامعه انتظارات دیگری از ما دارد، و وقتی ما به انتظارات جامعه عمل نمی‌کنیم مورد تمسخر و فشار قرار می‌گیریم. اکثر مشاغل برچسب‌هایی جنسیتی دارند که ورود دیگران را به آن سخت می‌کند. مرد گلدوز شدن و زن مکانیک شدن هر دو کارهای سختی هستند. برای ساختن جهانی برابر بسیار مهم است که یاد بگیریم کلیشه‌ها را ببینیم، از آنها دوری کنیم، و تمام سعی ما بر این باشد که تمام افراد فرصت‌هایی واقعا برابر برای انجام کار مورد علاقه خودشان داشته باشند، در تحصیل، در کار و در ارتقاء شغلی.

### به زنان اعتبار و اعتماد بنفس بدهید!

براساس آمار، مردان اگر فقط ۶۰ درصد توانایی‌های لازم برای شغلی را داشته باشند تقاضای استخدام یا ارتقا می‌کنند، اما زنان معمولاً تا رسیدن به ۱۰۰ درصد اطمینان صبر می‌کنند! زنان زیادی وقتی به موفقیت می‌رسند آن را به عوامل بیرونی مثل «کار زیاد»، «کمک بقیه» و «شانس خوب» نسبت می‌دهند، اما مردان بیشتر موفقیت را به ویژگی‌های ذاتی خودشان مرتبط می‌دانند. البته

وقتی نوبت به شکست می‌رسد قضیه برعکس می‌شود، زنان معمولاً شکست را به عدم توانایی خودشان مربوط می‌دانند و مردان آن را به مسائل بیرونی مثل تمرین نکردن و... نسبت می‌دهند. به این ترتیب زنان اعتبار بیرونی کمتری کسب می‌کنند، خودشان هم به خودشان اعتبار کمتری می‌دهند، نتیجه تضعیف اعتماد بنفس زنان است. در این حالت زنان کمتر سعی می‌کنند خودشان یا کارهایشان را مطرح کنند، همین طور کمتر امکان دارد وظایف چالش برانگیزی را به عهده بگیرند که توانایی‌هایشان را گسترش می‌دهد.

بنابراین:

- اگر در تیمی هم زنان و هم مردان حضور دارند شاخص‌های روشنی برای ارزیابی عملکرد داشته باشید. اجازه ندهید کلیشه‌ها باعث شوند اعتبار موفقیت از آن مردان و مسئولیت شکست از آن زنان باشد. مطمئن شوید که زنان اعتبار کاری که انجام داده‌اند را دریافت کنند و از فرصت‌های مختلف برای بیان مشارکت آنها استفاده کنید.

- در تیم‌های کاری زنان را دست کم نگیرید و نگذارید خودشان هم خودشان را دست کم بگیرند. (این مسئله به معنای دادن اعتماد بنفس کاذب نیست که عوارض زیادی دارد).

- در معرفی همکاران زن خود به شرکای کاری یا... روی موفقیت‌ها و توانایی‌هایشان تاکید کنید که تا جای ممکن ذهنیت‌های کلیشه‌ای را قبل از کار و جلسه تضعیف کرده باشید.

- اگر زنی در تیم ادعا کرد شایستگی یا توانایی انجام کاری را ندارد فوری قبول نکنید و سعی کنید تشویقش کنید تا این چالش را بپذیرد و به خودش اجازه رشد و پیشرفت بدهد.

- احتمال زیادی دارد به عنوان یک زن اشکالی از راهنمایی را در محیط کار دریافت کنید که پیام ضمنی آنها دست کم گرفتن توانایی شماست. خودتان را درگیر جدل و تلاش برای اثبات توانایی خودتان به این افراد نکنید، نادیده‌شان بگیرید.

### به زنان اجازه صحبت بدهید!

مثل نکات قبلی این یکی هم از خانه و مدرسه شروع می‌شود. اگر به جمع‌های خانوادگی دقت کنید صحبت‌های زنان معمولاً بیشتر و راحت‌تر قطع می‌شود و کلاً زنان کمتر در بحث‌های عمومی یا حرفه‌ای وارد می‌شوند یا اگر چیزی بگویند جدی گرفته می‌شود. در مدرسه هم معمولاً این روند ادامه پیدا می‌کند و اظهار نظرات متفاوت یا ارائه انتقاد و پیشنهاد از سوی دختران دانش‌آموز با انعطاف کمتری پذیرفته می‌شود. نتیجه چیزی است که حالا می‌بینیم. در جلسات کاری که مردان و زنان همزمان شرکت داشته باشند معمولاً مردان در صندلی‌های جلو و وسط می‌نشینند و زنان سمت انتهای میز یا اتاق را انتخاب می‌کنند. در طول جلسه مردان بیشتر صحبت می‌کنند و تمایل دارند پیشنهادات بیشتری ارائه کنند. زنان کمتر صحبت می‌کنند، صحبت‌هایشان بیشتر قطع می‌شود، هم خودشان و هم جمع اعتبار کمتری برای ایده‌های آنها قائل می‌شوند.





بنابراین:

- از زنان دعوت کنید در صندلی‌های جلو بنشینند.

- دقت کنید همه شرکت‌کنندگان در جلسه صحبت کنند. اگر زانی در جلسه سخن نگفته‌اند فضا را برای بیان نظرشان فراهم کنید. مثلا مستقیم نظرشان را بپرسید. ممکن است زانی که عادت به این کار ندارند در ابتدا هول شوند، جلسه را در کنترل داشته باشید و با صبوری اجازه تسلط بر مبحث و ادامه صحبت را بدهید. سعی کنید بحث را در گروه‌های کوچکتر پیش ببرید تا ترس از جمع بزرگتر مانع ابراز عقیده زنان نشود. همچنین جلوی رفتارهای مبتنی بر ناراضی‌ت و بی‌شکایتی را بگیرید.

- اگر کسی صحبت‌های زنی را قطع کرد در بحث مداخله کنید و بگویید می‌خواهید صحبت‌ها را کامل و تا آخر بشنوید.

- مطمئن شوید که نه تنها همه حرف می‌زنند، بلکه به حرف‌های همه هم گوش داده شده و اعتبار داده می‌شود. تنها زمانی می‌توان از تجربه و تخصص تمام اعضای یک تیم استفاده کرد که همه آنها معتبر دانسته شوند.

- حواستان به دزدی ایده‌ها در جلسات باشد. پیش می‌آید ایده‌ای که با صدایی آرام و نامطمئن از سوی یکی از زنان در جلسه مطرح شده، به تملک صدای بااعتماد بنفوس و پرشور یکی از مردان حاضر در جلسه دربیاید! در چنین مواقعی اعتبار را به صاحب ایده برگردانید.

- همان طور که در بخش‌های قبلی این سلسله یادداشت‌ها اشاره کردیم قبل از جلسات کلیشه‌های جنسیتی را از ذهن پاک کنید تا بدون پیش‌زمینه به نظرات گوش کنید.

- ارتباط دوسویه بین اعتماد بنفوس و نظر دادن در جلسات وجود دارد. زانی با صحبت کردن در جمع راحتند که اعتماد به نفس بالایی دارند در عین حال اگر زنان امکان ابراز وجود در جمع را بیابند بر اعتماد به نفسشان تاثیر مثبت خواهد داشت. (یادداشت قبلی از این مجموعه). شنیدن صدای زنان یک قدم به سوی برابری جنسیتی است.

### کارهای دفتری، وقت‌گیر و بی‌پاداش فقط از آن زنان نیستند

همان‌طور که همچنان عده زیادی کارهای خانگی را وظیفه و کار مختص به زنان در خانه می‌دانند، بخشی از کارهای دفتری و پشتیبانی را هم کار زنان در محیط کار می‌دانند. کارهایی مثل یادداشت برداشتن از جلسات، کار کردن و آموزش دادن به افراد تازه استخدام شده، هماهنگ کردن برنامه‌ها و...

در ظاهر به نظر نمی‌رسد این کارها مشکلی داشته باشند، اما اگر ساعت کاری زنان به میزان زیادی صرف این بخش از فعالیت‌ها شود، از فعالیت‌های اصلی که می‌تواند منجر به رشد آنها در محیط کار شود دور می‌مانند و در یک سطح خاص درجا می‌زنند.

در یک مطالعه نشان داده شد وقتی مردان برای کمک به دیگر اعضای تیم دیر در



جلسه حاضر شدند ۱۴ درصد تشویق بیشتری نسبت به زانی که دقیقا همان کار را انجام داده بودند کسب کردند. در نقطه مقابل در صورت دادن پاسخ منفی به درخواست کمک در این زمینه، زنان ۱۲ درصد سرزنش بیشتری نسبت به مردانی که دقیقا همین کار را انجام داده بودند گرفتند.

بنابراین:

- حتی اگر زنان خودشان داوطلب انجام نقش‌های پشتیبانی و دفتری باشند، باز هم شما این وظایف را به شکل عادلانه‌ای در کل تیم تقسیم کنید تا همه اعضا فرصت‌های یکسانی برای رشد و ارتقا داشته باشند. چرخشی کردن این وظایف می‌تواند یک راه حل باشد.

- زنان را به سمت نقش‌هایی که اجازه توسعه مهارت‌ها و آموختن مهارت‌های جدید را می‌دهند سوق دهید. این مسئله ارتباط تنگاتنگی با اعتماد بنفوس دارد که در یادداشت‌های قبلی هم به آنها اشاره کردیم. زنان در انجام کارهای آشنای هر روزه و کلیشه شده مهارت دارند، پس در انجام آنها احساس اعتماد بنفوس می‌کنند و ممکن است حتی سعی در امتحان کردن کارهای جدید نکنند. اما معمولا این ارتباط دوطرفه است، یعنی توسعه مهارت‌ها و امتحان کردن کارهای جدید باعث افزایش اعتماد بنفوس می‌شود، همان طور که اعتماد بنفوس جرات انجام کارهای جدید را می‌دهد.

- نگذارید زنان در نقش مادر تیم فرو بروند، حتی اگر همه از این موقعیت راضی باشند.

- نگذارید انجام تمام کارهای وقت‌گیر بدون پاداش مانند هماهنگی جشن‌ها و... بر عهده زنان باشد، حتی اگر بهانه این باشد که زنان در انجام این کار خیلی بهترند. این مسئله یک کلیشه جنسیتی است و همه اگر بخواهند می‌توانند در انجام این کارها خوب باشند. پس با جدیت عملکرد خوب را از همه طلب کنید و نگذارید با انجام سرسری کارها دوباره مسئولیت را به زنان برگردانند.

## مورد نقد: تغییر بسته‌بندی با گذاشتن بسته‌بندی جدید زیر مدل قدیمی

سیده زینب صالحی

## خدمات مشاوره دستادست برای کسب‌وکارهای کوچک

مدتی است که دستادست برای کسب‌وکارهای کوچک خدمات مشاوره در حوزه‌های مختلف ارائه می‌دهد. در ادامه این خدمات را معرفی می‌کنیم.

صدای شما

اگر مسئله و مشکلی در حیطه مسائل اجتماعی و محیط زیستی توجه و دغدغه شما را برانگیخته می‌توانید درباره‌اش بنویسید و برای صفحه صدای شما، ارسال کنید. این صفحه از آن شماست.

این روزها خیلی از ما برای حفظ طبیعت، تولید حداقلی زیاده، تفکیک آن‌ها، و خیلی چیزهای دیگر تلاش می‌کنیم. این روزها هر کدام از ما به اندازه وسعت توانایی خودمان کاری می‌کنیم و بعضی‌ها حتی از آن هم بیشتر! من دوستی دارم که اگر قمقمه آبش را بر نداشته باشد، حد اعلاي تشنگی هم نمی‌تواند او را راضی به خریدن آب معدنی و تولید حتی یک بطری پلاستیکی اضافه کند.

وقتی پاکت نوار بهداشتی را باز کردم و دیدم به جای یک لایه، دو لایه بسته‌بندی -بسته بندی جدید در زیر بسته بندی قدیمی- دارد، اول این همه بی‌اعتنایی به طبیعت و زمینی که مادر همه ماست را باور نکردم! چند بار هر دو بسته‌بندی را دنبال نشانی، حرفی، توضیحی گشتم. اما دریغ... هنگامی که فهمیدم قضیه از چه قرار است، قبل از هر چیز یاد همان دوستم افتادم، یاد آدم‌هایی مثل او و تلاش‌هایشان، با وجود اینکه دستشان هم به جایی بند نیست. با خودم فکر کردم یک ماه، یک هفته یا حتی یک روز از چنین بی‌اعتنایی‌هایی زحمت چند سال همه این آدم‌ها را بر باد می‌دهد...؟!

خلاصه که این بسته بندی‌ها غالباً با زیاده‌هایی دور انداخته می‌شوند که امکان بازیافت‌شان بسیار کم است، حتی اگر ممکن هم باشد، آیا هزینه اضافی بر دوش همه ما نیست؟ اگر شرکت شما در فکر تغییر بسته‌بندی‌هایش است، هزینه‌اش را نباید طبیعت پرداخت کند، هزینه‌اش نباید تا چند هزار سال آینده بر گردن همه ما سنگینی کند!

وقتی از مشاوره برای کسب‌وکارهای کوچک در دستادست حرف می‌زنیم، منظورمان...



دستادست



## مهارت‌های پایه

- \* نحوه نام‌گذاری یک کسب‌وکار
- \* نحوه یاد گرفتن از رقبا
- \* اصول قیمت‌گذاری
- \* اصول استفاده از اینستاگرام (مطالبی درباره آمار، عکس، فیلم، پروفایل، کپشن، نوع صفحه، استوری و...)
- \* اصول پایه فروش اینترنتی
- \* تولید محتوا (شناخت انواع محتوا از نظر اثرات موردنظر ما و نحوه تولید آنها)
- \* بررسی بازار و شرایط اجتماعی-اقتصادی حاکم
- \* اصول عکاسی با امکانات کم
- \* تبلیغات و بازاریابی



دست‌دستا

و پاسخ‌گویی به سوالات شما  
درباره مشکلاتی که همین حالا در  
مسیر کارتان به آنها برخورد کرده‌اید.

با ما تماس بگیرید

dastadast@gmail.com  
insta/ tel: @dastadast

دست‌دستا

## شناخت مشتری

- \* شناخت دقیق‌تر مشتری (روش‌های شناخت، یادگیری استفاده از ابزار پرسونا)
- \* تعیین مشکلات، نیازها، خواسته‌ها و منافع مشتری (بوم ارزش پیشنهادی)

## شناخت محصول / خدمت

- \* شیوه تحلیل محصول / خدمت فعلی
- \* شیوه ایجاد تناسب بین شناخت از مشتری و محصول / خدمت ما
- \* یاد گرفتن برخی روش‌های کمکی برای طراحی محصول جدید مانند استفاده از پروتوتایپینگ و اسکمپر



دست‌دستا

## شناخت خودمان و طراحی کسب‌وکار

- \* آموختن و انجام تحلیل سوات برای شناخت کافی از خودمان و موقعیت کلی‌ای که در آن قرار داریم و استفاده از آن برای طراحی کسب‌وکار
- \* شناخت و بررسی انواع کانال‌های فروش
- \* جهت‌گذاری و تعیین رویه کلی کسب‌وکار
- \* یادگیری اجزای بوم‌مدل کسب‌وکار و طراحی آن برای کسب‌وکار



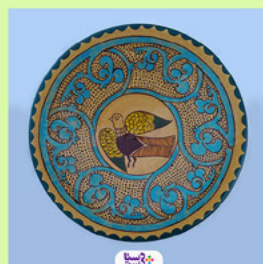
دست‌دستا



## اول تا هفتم هر ماه



## نمایشگاه مجازی محصولات دستساز



در اینستاگرام و تلگرام دستادست:  
[@dastadast](https://www.instagram.com/dastadast)

